



اگر یکی شکست واز بین رفت باقی دیگر شیرین نیست نمی شود عددش کسر شده کیفیتش که کم و کسر نمی شود بلی از منتخبین درجه اول که کسر میشود عدد از اکثریت می رود آنجا که گفته شد در درجه ثانی استعفا داد چون اعتبار نامه اش قبول شده بود قبول شد و بجای او انتخاب شد چون سابقه دارد و گفته شد که سابقه حکم قانون دارد و از آن راهم بازیگ فرق واضحی اینجا می بینم و می بینم که هر یک از این منتخبین درجه اول دارای عدد آراء هستند که اگر ما اینجا خواسته باشیم در میان آنها یکی بجای او انتخاب کنیم در اینجا این طوری نیست بجهت اینکه وقتیکه عدد نمایندگان تکمیل بود وقتی که یکی رفت کسر خواهد شد ولی این انتخاب از خود مجلس است می خواهیم از آقایان سؤال کنیم که وقتی که از این بیست نفر پانزده نفر زنده و پنج نفر باقی مانده آن سستی را که علماء در حق آنها مین کرده اند می رود یا نمی رود مسلماً نمی رود باز هم بقی است بنابراین تحقیق بنده در اینجا تقاضا دارم که این دو نفر انتخاب شود باید الان شروع کنیم بانتخاب يك مسئله دیگر اینجا است که باید عرض کنم که ده نفر دیگر هم معرفی شده اند آیا باید پذیرفته شوند یا نباید پذیرفته بشوند بجهت اینکه ماهیج محظور و مانع قانونی نداریم که آنها را بپذیریم نه ایست می گویم آن سستی را که در بیست نفر بوده است حالا در این دو نفر هم هست ولیکن آن بیست نفر يك سمت معرفی پیدا کرده اند آیا باید بگوئیم که باز همان سمت معرفیت است بنده عرض می کنم اگر بجای بیست نفر چهار نفر دیگر معرفی بکنند و فقط این چهار نفر قابل انتخابند باید بگوئیم که معرفی این چهار نفر باطل نیست باز مجلس از آن چهار نفر انتخاب می کند اگر هزار نفر هم باشد از آن هزار نفر انتخاب میکنند بنا بر این تمسقب خواهش میکنم همین الان رای بگیریم و انتخاب شود .

رئیس - اگر مجلس موافق است انتخاب می کنیم . حالا يك مسئله هست که بعضی پیشنهاد کرده بودند که در این خصوص قرعه نباشد انتخاب باشد .

**بهجت** - اختار قانون اساسی دارم قانون اساسی میگوید که باید پنج نفر از آن بیست نفری که معرفی میشوند انتخاب کرد حالا اگر يك نفر از آنها متوفی و یا مستعفی بشود مسلماً باید عوض آنها را انتخاب کرد و نباید نقض قانون بشود

**آقا شیخ حسین یزدی** - چند کلمه میخوام پیشنهاد آقایان بکنم که آقای آقا میرزا سید محمد بهبهانی يك کسی میگفت مساعدت و راهی ندارد حالا چون ظاهر همراه نیستند خوبست همان آقا شیخ اسمعیل که تازه معرفی شده اند همان را انتخاب بکنیم شاید اکثریت هم حاصل شود .

**هشترودی** - قانون اساسی میگوید انتخاب باید کم قرعه این ترتیب نیست که اول انتخاب بعد قرعه تعییر است شروع بانتخاب و بقاضی آقا میرزا احمد اسامی غیر منتخبین فراوان شده .

اوراق رای اخذ شده آقایان هشترودی - ادیب التجار

صدرالعلماء بحکم قرعه همین باتفاق آقای حاج میرزا رضا خان اوراق را احماء نمودند و نتیجه بطور ذیل اعلام شد .

**معاضد الملک** - عدد حاضر ۷۶ درجه سفید ۳ آقا شیخ اسمعیل میلانی با اکثریت ۵۶ رای آقا شیخ اسمعیل رشتی با اکثریت ( ۴۳ ) رای آقا سید مصطفی با ( ۱۰ ) رای آقا میرزا سید محمد بهبهانی با ( ۹ ) رای آقا سید علی کازرونی با ( ۸ ) رای - آقا میرزا حسین نائینی با ( ۴ ) رای - آقا نورالدین عراقی با ( ۳ ) رای مابقی هر کدام با يك رای - پیشنهاد آقای افتخار الواعظین بقرار ذیل قرائت گردید چون از ترتیب انتخاب اول معلوم شد که اتفاق نخواهد شد بلاخذه اینکه وقت زیادی صرف نشود بنده پیشنهاد می کنم که قرعه معین شود .

**کاشف** - عرض بنده مختصر است ولی اینجا آدمی که عریض بنده شنیده شود در جلسه گذشته که مذاکرات زیادی در باب انتخاب آقایان شد بنده يك پیشنهادی کرده بودم و در آن پیشنهاد ذکر کردم که نظر نمایند و تمکین آقایان آیات الله را بکنند اگر مجلس تمکین نکند در موضوع آقای آقا شیخ اسمعیل رشتی که بنده کمال نصرت را در خود ایشان دارم يك پیشنهادی کرده بودم و امروز خوانده نشده ولی حالا که رای آقایان تا يك اندازه معلوم شده است اکثریت با دو نفر است باز هم بنده در يك جلسه سابق راجع بقرعه و انتخاب عرض کرده ام و باز هم وظیفه وجدانی خودم می دانم که باید اظهار بکنم که از قرعه تا انتخاب خیلی فرق خواهد بود در استفاده اگر آقایان موافقت کنند از اتفاق انتخاب این دو نفر وجود محترم گمان می کنم که خیلی مامستفص خواهد شد و قرعه را در این موضوع اعمال نکنیم .

**محمد هاشم میرزا** - عبارتی که این جا نوشته محتاج به پیشنهاد نخواهد بود نوشته است یا باتفاق یا بقرعه ترتیب نیست که اولاً انتخاب کنند و بعداً در اتفاق نشد بقرعه معین کنند اگر آقایان صلاح می دانند بدون اینکه در این پیشنهادها رای گرفته شود بقرعه معین کنند مثل آنکه دو نفر دیگر را که معین کردیم بدون انتخاب بود و قرعه زدن حالیه آنرا هم بقرعه معین کنند در این مسئله نظر دارد که چهار مرتبه رای گرفته ایم و نتیجه حاصل نشد و ابداً تردیدی در این نیست که آقایان بجزمت پیشنهاد

**رئیس** - ملاحظه فرمائید مفاد این پیشنهاد این است که مجلس از این انتخاب منصرف شده است و آقای افتخار الواعظین این پیشنهاد را که کرده اند این را معلوم میکنم اگر مجلس رای داد معلوم می شود که رای از انتخاب منصرف شده است و باید بقرعه معین شود پس برای پیشنهاد رای می گیریم اگر رای مجلس بر این شد که قرعه کشیده شود بقرعه انتخاب می کنیم و الا بانتخاب خواهد بود باز هم رای میگیریم .

ثانیاً پیشنهاد مزبور قرائت شد .

**رئیس** - رای میگیریم بر این پیشنهاد کسانی که موافقت قیام نمایند ( اکثریت شد ) شروع بانتخاب بقرعه اسامی اشخاص قابل انتخاب قرائت شد .

و این را که میباید هیچ لازم نمی دانند و همان ماده که از کمیسیون پیشنهاد شده است بهتر می دانند .

**آقا میرزا ابراهیم خان** - اگر چه بنده دوم هنوز نرسیده ایم ولی چون اصل موضوع این پیشنهاد از طرف وزارت معارف قضاوت این پیشنهاد این است که اجازه بدهد از برای انکشافات اشیاء عتیقه اگر تعدادش این بود که اجازه بدهد و ما می گفتیم جداً ممنوعت عیب نداشت ولی چون اصل این پیشنهاد قصدش راجع است اینها بهتر این است که بگوئیم حفریات مجاز است ولی بنده از اجازه از وزارت معارف در صورتی که اجازه فرمودند آنوقت بجای ماده اول گذاشته می شود .

**منتصر السلطان** - چون ماده اول ماده اساسی است که در واقع اجازه بدولت داده می شود برای رسیدگی باینکار و آن ماده دوم وقتی که داخل مواد شدیم و اختصاص بدولت دادیم برای آنکه هر کس می خواهد مشغول حفر بشود از دولت اجازه بگیرد این است که ماده دوم آنچه را که آقا پیشنهاد کرده اند در آن ذکر می شود چرا این را در ماده اول ذکر بکنیم آن اختیاری که بر اجازه دولت است و آن احترامی که بدست دولت گذاشته می شود ثبت می شود باینجهت نوشته شده است که حفر اراضی مملکت ایران در طلب اشیاء عتیقه جداً ممنوع است مگر بعد از تحصیل رسمی از وزارت معارف فقط این احترام را مادامی که بدولت که بیایند از دولت اذن بگیرند و در ماده دوم آنوقت راجع باریضی که متعلق باشخص است ذکر میشود این است که نمی شود آنرا تغییر بدهیم در ماده اول

**حاج سید ابراهیم** - بنده موافقم با آقای مغیر عرض می کنم که این پیشنهاد آقای آقا میرزا ابراهیم خان نقطه این است که در املاک شخصی استرضا اجازه صاحب ملک باشد که در ماده دوم ذکر شده است و اینکه در ماده اول اجازه دولت را تهیه کرده اند این خیلی موافق است با تصویب دولت مالیات دولت اختصاص ندارد بملك کسی تمام املاک در مقابل دولت علی السواست تمام املاک يك حال دارد این قید ممنوع است و جداً لازم نیست .

**حاج شیخ علی** - این ماده خیلی خوب است اما يك سلسله آزادی میکنند اراضی مملکت ایران تمامش ملك دولت نیست و هر کس که می خواهد حفر کند چنین نیست که ملك داشته باشد بلکه يك نفر ملك شخصی خودش را خواست حفر بکنند و اشیاء عتیقه بدست بیارند آیا ملاحظه این خلاف آزادی را کرده اند یاخیر و عتیقه بنده این است که عبارتت يك شکلی نوشته شود که با ملك شخصی بر نخورد همه مال دولت نیست که هم جداً ممنوع باشد مال دولت صحیح است اما منع کردن از حفر اراضی شخصی صحیح نیست .

**بهجت** - اولاً بنده مخالفم با آقای مغیر که اینجا لفظ اداره را برداشته اند و وزارت گذاشته اند و طرفدار آنچه بر می هضمیم که از کمیسیون گذشته است بنابراین توضیح می دهم که مقصود از وزارت شخص وزیر یا کابینه وزیر است یا يك اداره است از او اجازه بخواهند بدهی می است که مقصود يك

اداره است در اینجا این اقدامات می شود بنا بر این تقریر باید يك اداره ای باشد که مردم از آنجا تحصیل اجازه بکنند علاوه جواب حاج آقا را میخوام عرض کنم که قانون تشکیلات غیر از قانون اداره عتیقات است هر وقت قانون تشکیلات آمد وخواستند اداره برای عتیقات تشکیل بدهند شما میتونید ضمیمه بکنید والا ناچاریم بدهیم بدست يك اداره یا باید بگوئیم عتیقات بکلی آزاد باشد و هیچ اداره نداشته باشد طریق انتظاماتش و تشکیل اداره آن هر وقتی که آمد شما میتونید این اظهار را بکنید بنده طرفدار این هستم که عتیقات يك قانون میخوامد و البته راجع بوزارت معارف است و لابد راجع بملك اداره است و البته آن اداره باید يك ترتیبی بسند به عتیقات این مسئله ای نیست اشکالی هم ندارد و اما آنچه ای که آقایان میفرمایند که اگر کسی بخواهد در ملك خودش حفری بکنند اگر اجازه دولت باشد سبب آزادی میکند بلکه آزادی هم حق نمی دهد که آدم در سرحد ایران وارد شود مال خودش را بگردد بدهد بلی قانون همیشه منافی آزادیست البته آن اندازه آزادی نیست آن آزاد است است که آزادی مطلق است امامثله عتیقات در جزء مایعات املاک نیست آثار عتیقات و سلاطین قدیم هیچوقت اگر من يك کاسه را فروختم و يك چیز در آن بود یا يكسای را فروختم يك چیزی در آن بود این ملک او نمیشود عتیقات يك قانونی دارد که هر کس می خواهد حفر بکنند اراضی را و عتیقات پیدا بکنند البته باید از روی آن قانون اجازه از دولت بگیرد و الا اگر بکسر اینطور باشد برضد تمام قوانین میگویند چون مخالف آزادی است نباید وضع شود قانون همیشه تعدید آزادی را میکند باینجهت غیر از این است پس وقتی که يك قانون وضع میشود نباید گفت منافی آزادی است البته منافی آزادیست و باید يك قانونی وضع شود در حفر عتیقات .

**رئیس** - از برای آنکه مباحثات بطول نینجامد یاد آوری می کنم که در باره اداره عتیقات و معارف هیچ لازم نیست مذاکره کنند قانون تشکیلات وزارت معارف که آمده است و رای داده ایم وزارت معارف هم می باید اینجا از اداراتش هر چه بخواهند کم بکنند میتوانند و اما این کاینجا نوشته اند وزارت معارف هیچ عیب ندارد بوزارت معارف کافه می نویسند اجازه میخوامد در وزارت معارف در این که يك اداره است حرفی نیست اما در مسئله موضوع مطالب مذاکره فرمائید .

**آقا محمد پروچردی** - بنده در آن روزی که شور در کلیات این قانون شده است بنده با اجازه غائب بودم حالا بک عریض لازمی بطور کل دارم که بر اغلب مواد بر می خورد و اگر اجازه بدهند عرض کنم والدرد ضمن شود مواد عرض کنم .

**رئیس** - در مواد فرمایش بکنید چون در کلیات شور شده است برای گرفته شده داخل مواد شده ایم حالا اگر در مواد فرمایشی دارید بفرمائید .

**آقا محمدعلی** در این ماده عرضی دارم .

**آقا میرزا ابراهیم قمی** - عرض می کنم اراضی ایران سه قسمت است یکی مال دولت است مثل خالصه

يك قسم هم آنتست که بایر است که مالك ندارد يك قسم هم آن اراضی است که مالك دارد آنها بیکه مالك معین دارد دولت ابداً حق ندارد اگر خود مالك اجازه نداد دولت حق اجازه دادن ندارد و این که آقای بهجت فرمودند وزارت معارف مستقیمه است يکی وزارت فواید عامه يکی وزارت اوقاف يکی علم و معارف این راجع بوزارت فواید عامه است يك اداره دیگری نمی خواهد همان فواید عامه که نوشته عیب ندارد .

**حاج شیخ الرئیس** - بنده اساساً خیلی خودم را حاضر میدانم و خوشوقت از این که از مائباتهای مستقیم و غیر مستقیم قانونی بر حسب مقتضیات وقت مصلحت حاله يك منبع ثروتی از برای دولت و ملت تحصیل بشود و البته یکی از آن منابع همان عنوان اداره عتیقات است ولیکن چون در ضمن فرمایشات آقای نمایندگان فرمایش کردند که ناچارم وظیفه وجدانی خود را نادیده نگذارم آنچه بخیال رسید و لازمست عرض بکنم که اگر شبهه ای برای بنده شده است باز توضیح میدهم که دفع شبهه شده باشد و آن این است که اگر چه فرمودند که هر قانونی جلوی آزادی را میگیرد بنده آن را قبول دارم بجهت اینکه این مطلب همان سوء تفاهمی است که بعضی از دانشندان این مملکت بعضی معرضین و مفسدین با حامیان سستی بین و دشمنان دولت و دین میگویند که بنده و امثال بنده حامیان مشروطه يك آزادی غیر مشروط را میخوامیم و اینکه مآخونها کشته شده اند برای يك آزادی منحوس و معلوم که هیچوقت طرف توجه اهل اسلام که سهل است بلکه هیچوقت طرف توجه هیچيك از ملل عالم و متدینین بنی آدم نبوده است البته قانون جلوی آزادی را میگیرد اما کدام آزادی غیر مشروع آن آزادی که مزاحم با آزادی دیگری بشود بیش از این عرض نمی کنم بنا بر این هیچ نمیتوانم تصور بکنم که کسی که ملكی دارد بقانون الناس سلطون علی اموالهم و انفسهم حالا آنجای خودش هیچ نظری با اداره عتیقات ندارد و هیچ کاری نیست که در این حفریات دفته و خزینه پیدا بکنند دارد خیال دارد در خانه خودش يك آب انباری بگذارد در این بین هم يك گنجی يك دفته مشکوک یا غیر مشکوک پیدا شد و بنده عرض میکنم و جداً خاطر آقای بهجت را که عالم شرعاً مستند متوجه میباشم تعجب میکنم که این جا چرا حرف میماند در این باره ای تقریرات و تحریرات که در دفتر ممالک اسلامی در باره سیاسی معمول است آنها بیکه مطلعند میدانند چه عرضی می کنم که بعضی ها عقیده شان این شده است در فرنگستان که کسی بکسی انتقال میدهد فقط همان سطح زمین را و او انتقال میدهد فقط يك اندازه که میتواند که يك درخت بکارد يك جوئی احداث بکند و الا تا اتمام ارضی و یا تخوم ارضی داخل در ملك او نیست و نه باو منتقل شده است تا چه رسد بآن چیز بیکه در تخوم او است که خبر ندارد تا بیع نه مشتری که در آن چیست و این مطلب بر خلاف قانون شرعیت مقدسه طیبه ظاهر است یعنی حالاً هم فرنگها همین را ترجیح میدهند که زمین را که کسی بن فروخت از سطح زمین الی غان السماء از سطح زمین میرود با اصطلاح من تا تخوم زمین و یا با اصطلاح برود تا پشاح گو بر بخرود من مسلط می توانم

آنجا حفر بکنم و تا هر جا بکنم مال من است و لودر حین باره ابد بدمن من که مشتری و بدمن آنکه بایع بوده است نگذشته است بلی شارع مقدس در این جا یک قانونی قرار گذاشته است که یک خمس از آنجا بدهد و اگر اجازه بدهد و البته بدهد برای اینکه بیت المال مسلمین حالا در دست یک حکومت عادلانه است آنچه که بخرم بدهد دولت باید ضبط کند و باید دانست که مصارف خمس یک مصارف مخصوصی است که بدو بخواهد اد راه مخصوصی نیست.

**توجهت** - بنده عرض میکنم وقتی که یک زمینی که منتقل بکسی شده است تا غان السماء و تا اعناق الارض منتقل بناو میشود همینطور هم فضا قابل نقل و انتقال است همین طور تا تخوم ارض ولی عرض میکنم یک خانه را فرض بفرمائید که آثار پادشاهان در آن خانه مانده است و آنخانه را بعد یکی فروختند و در آن خانه یک جمعه که در آن جواهرات یا اشیاء نفیسه در آن بوده است هیچ وقت نباید آن جمعه را باز داد و در آن سند می نویسم مخصوصاً متعلقات شرعی و عرفی آن آثار بلکه از سلاطین قدیم مانده است نه از متعلقات شرعی است نه عرفی و هیچکس این خیال را نمی کند و مختص است بدولت و کسی نمیتواند در آن تصرف کند.

**حاج شیخ الرئیس - توضیح دارم.**

**رئیس** - توضیح که بدون نوبت باید داده شود وقتی که در یک حرفی سوء تفاهمی شده باشد حالا اگر حضرت عالی تعجب دارید تعقیب غیر از توضیح است.

**حاج شیخ الرئیس** - بلی تعقیب دارم.

**رئیس** - در موقع دیگر باز ممکن است بفرمائید.

**مؤمن الملک** - آنرا مایشی را که آقای حاج شیخ الرئیس کردند عرض بنده هم گفته شد بنده این ماده را صحیح نمیدانم برای اینکه همانطور که گفته شد اعیان زمین را مسلک بنده هم تابع سطح زمین میدانم در این صورت بنده صلاح نمیدانم که نوشته شود اجازه بگیرند و حرفی که نوشته شده که از دولت اجازه بگیرند مثل این است دولت حق دارد که اجازه بدهد و همین وجهی که آقای حاج شیخ الرئیس تقریر فرمودند می توان یک مالیاتی وضع کرد و می توان گفت که هر کسی در ملک خودش حق حفر با تداوری بشرطی که بوزارت فوائد عامه اطلاع بدهد و مالیات آنرا بطوریکه مجلس مقدس معین میکند بدولت بدهد چون مصاب گفته شد دیگر بنده عرضی ندارم.

**منتصر السلطان** - این را آقای مؤمن الملک فرمودند که بجای این ماده امدای نوشته شود تقریباً این اسم که هر کسی ارضی را حفر کند و یک چیزی پیدا کرد از زیر خاک مالیاتی بدولت بدهد و اطلاع بدهد و اگر چیزی پیدا شد حقوقی بعنوان مالیات دولت بردارد و پس در واقع اینکه میفرمائید اطلاع بدهد مالیات بدهد او را مجبور میکنم که مالیات بدهد و همچنین مجبور کردن عین همان اجازه گرفتن است که من که در مقام اجازه گرفتن که حفر کنم فلان چیزی را که پیدا کرده ام بیایند مالیات آن را بگیرند این عین همان است که

مجبور است یعنی من میخواهم بروم دوزمینی که خاصه یا محلی که صاحب معلوم نیست یا زمین خودم را فرضاً میخواهم مشغول حفر شوم و یک اجازه میخواهم که مفتش شما بیاید و اگر چیزی در آمد آن مالیاتی که شما مقرر کردید و مجلس رأی داده است آن مالیات را بدهم باید بکنم مفتش معین شود که بدانند کجا مشغول حفر شده اند و چه بیرون آورده اند والا اگر فرضاً صد هزار تومان پیدا کرد فردا بگویند هزار تومان پیدا کرده ام پس همان اطلاع دادن که مجبور می کند همان تحصیل اجازه است که باید باشد پس هیچ فرق نمیکند اینجا بنده همین ماده را بهتر میدانم که از کمیسیون گذشته است.

**رئیس** - حالا باید در قابل توجه بودن پیشنهاد آقای میرزا ابراهیم خان رأی بگیریم - این پیشنهاد خوانده می شود و رأی گرفته میشود ( مجدداً پیشنهاد منبور نراست گردید )

**پیشنهادی از طرف آقای دکتر علیخان نراست شد**

**اصلاح** - بنده پیشنهاد میکنم بجای لفظ اجازه در ماده اول لفظ اطلاع نوشته شود.

**کاشف** - اولاً بنده پیشنهاد آقای آقا میرزا ابراهیم خان را رد میکنم بواسطه اینکه در این ماده موضوع ندارد چونکه ابتدا مقصود دولت املاک شخصی بوده است خیلی از املاک است که ملک شخصی دولت است و شاید هم اصل مقصود کمیسیون همان است از این جهت بنده نمی توانم آن پیشنهاد آقای آقا میرزا ابراهیم خان را تصویب کنم و در موضوع پیشنهاد آقای دکتر علیان هم که می فرمایند بجای لفظ اجازه اطلاع نوشته شود اجازه و اطلاع هر دو یکی است و این که اجازه داده شود با اطلاع حرفی ندارم باز آنهم همان شکلی که مقصود دولت است بمل می آید پس مقصود این است که کلیه اشخاصی که میروند - فر بکنند یا اجازه دولت باشد والا شاید خیلی چیزهای انبیک در آن پیدا می شود و میبرند بدون اینکه اطلاع بدولت بدهند مقصود این است که آنها بدون اطلاع این کار را نکنند و با اجازه باشد همانطوریکه آقای حاج شیخ الرئیس فرمودند بدولت بدهند و این صدی بیست همان خمس است فرق نمی کند.

**دکتر علیخان** - اینکه فرمودید اجازه با اطلاع هیچ فرق نمی کند بنده گمانم این است خیلی فرق میکند فرضاً از اطلاع این است که اگر دولت بخواهد اطلاعی پیدا کند باید اطلاع پیدا کند بدون اطلاع ممکن نیست والا من زمین خودم را حفر می کنم و ممکن است دولت اطلاع نداشته باشد این غیر از اجازه است که من از دولت اجازه بگیرم و وقت که اطلاع دادند بدولت حق دارد اجازه بدهد و بنده قدر نوشته شود بجای لفظ اجازه اطلاع داده خواهد شد بهتر خواهد بود.

**دکتر حیدر میرزا** - بنده اصلاح ازینهم و جدید دارم و این عبارت را اینجا خیلی صحیح میدانم برای این که خاک ایران آثار عتیقه زیاد دارد که ما نمی شناسیم و قیمت آنرا نمی دانیم یا رسال گذشته بعضی اشخاص و فرق نمی شود آمدند بعضی حفاریات کردند چون فرضاً جواهر نفیسه مسکوک نیست بیایند مالیات آن را بگیرند این عین همان است که

رفع اشکالات را میکنند و اینکه میفرمائید با اطلاع دولت باشد این کلمه از الفاظی است که چنین است و همان اجازه بسیار لفظ خوبی است و اینکه از دولت اجازه بگیرند هیچ دلیل این نمی شود که اگر کسی بخواهد در ملک خود حفری بکند دولت بناو اجازه ندهد و مانع نشود بلکه این از برای اینست که اگر کسی بخواهد یک همچو کاری را بکند بیاید بدولت بگوید خیلی خوب و اجازه بدهد و اما در باب اینکه این کار راجع بوزارت فوائد عامه است یا اینکه بوزارت معارف اینکار راجع بوزارت معارف است بعهد اینکه در تشکیلات اداری این کار را راجع بوزارت معارف کرده اند و غیر از این هم زمینه دیگری هم هست که یک نحوه اختصاص بوزارت معارف دارد هیچ ربطی بوزارت فوائد عامه ندارد و در خصوص کلمه اجازه هم همانطور که عرض کردم باز هم تکرار میکنم که خیلی خوب کلمه است و اگر دقتی بکنید خواهید دید که تمام عظم این قانون باین ماده است.

**آقای میرزا ابراهیم خان** - اینجا چون می بینم که استنباطی حاصل شده است ناچارم برای رفع اشتباه عرض بکنم ولی نقاضا می کنم اگر راجع باین عرض بنده آقایان توضیحی خواسته باشند بیرون از بنده سؤال بفرمائید که عرض بکنم عرض می کنم این پیشنهاد وزارت علوم فقط منحصر است باملاک شخصی و هیچ وجهی من الوجوه نمی تواند با املاک که متعلق بدولت است ربطی پیدا بکند و نباید در این موقع ذکر میکنم از املاک که متعلق بدولت است آنرا حویست یک مورع جدا - گاه قرار بدهیم که اگر لازم شد یک وقت در آن بحث کنیم این جا ما صحبتی که میکنیم راجع به املاک شخصی است که مردم خواسته باشند باین مردمان چهار اجازه بدهند که در ملک ایشان حفر بکنند و اشیا عتیقه بکنند اگر چه این مسئله امروز در نظر ما خیلی بی اهمیت میباشد ولی اینطور نیست مسئله آثار عتیقه امروز در عالم معارف و تاریخ یک اهمیت بسیار بزرگی را دارا شده است مثل اینکه می بینم که ملل حیه عالم مبالغ خیلی گزافی امروزه خرج میکنند دامورین علمی پول خیلی پیمانه میفرستند و در آن دل دوردست کشف آثار عتیقه میکنند مثل یونان مثل مصر مثل ایران برای چه این پول را خرج میکنند و برای چه این زحمت را می کشند برای استفاده علمیت از آثار و اشیائی که در قرون سابقه زبر خاک مانده است تا اینکه بتوانند از آن راه بر معلومات علمی خودشان چیزی افزوده باشند و خیلی جای تأسف است که یک همچو آنکه ذوقی پیش ما مهمل مانده است و بعد از وزارت علوم را هم می دانم که فقط نه این است که از این راه یک مالیات جزئی تصور کرده باشند و یک دخلی برای دولت فراهم آورده باشند بلکه مقصودشان آن است که بواسطه طرح این قانون یک دخالتی در امر اکتشافات پیدا کرده باشند که در هیچ جا بدون اطلاع دولت نتوانند حفاریات بکنند اگر در آئین بعضی اشیائی پیدا شد که متعلق بیک مطلب تاریخی و یک جمله علمی بشود بدست جهال

بناقتد و بشن های بعضی خیلی نفروشد دولت از آن اطلاع پیدا بکنند و تصور میکنم که همیقدر که ما تصویب کردیم بدون اطلاع وزارت علوم کسی نتواند اکتشافات بکند کفایت میکند.

**حاج آقا** - مطالبی را که آقای حاج شیخ الرئیس و آقای مؤمن الملک فرمودند یک اندازه بنده را از مدافعه راحت نمود ولی خیلی متأسف هستم که در مطالبی که گفتگو میشود منطقی جواب داده نمی شود آقای معاون فرمودند که این لفظ اجازه خیلی خوبی است و خیلی اهمیت دارد همانطور که آقای مؤمن الملک فرمودند این مطلب یک مطلب منطقی است که وقتی گفتند املاک باید اجازه فلان شخص یا فلان هیئت باشد طبیعتاً و منصفاً فقط آن شخص و آن هیئت حق دارد که اجازه بدهد یا ندهد پرسش او است اگر بخواهد اجازه می دهد و اگر نمی خواهد نمی دهد و در املاک شخصی ما هیچ وجهی به اطلاع شرعی نمی توانیم این کار را بگیریم یعنی بیت بس دیگری عیار مالک این حق را بدهیم و اما این مطلبی را که آقای آقا میرزا ابراهیم خان فرمودند و آقای شیخ ابراهیم خان هم ملاحظه باین کردند که این مطلب هیچ با اطلاع و اجازه مربوط نیست و اگر هیچ اطلاع و اجازه را هم در اینجا نمی بینم هم دولت می تواند این استفاده را بکند بواسطه اینکه اگر اطلاع هم داد کسی بدولت که در ملک خودش می خواهد حفاریات بکند و ضمناً در بین اکتشاف بعضی اشیاء عتیقه را پنهان کنند و قاچاق بنمایند دولت آیا می تواند این قاچاق و آن اشیاء را بدست بیارد یا نمی تواند این چیزها را باید در سر کمرک بدست آورد بواسطه اینکه در موقع گذراندن اشیاء آن مالیات را که دولت می خواسته است اگر گرفته است که نشان می دهد صاحب آن مال و آن نشان و آن قید مخصوص را نشان می دهد و میگذراند والا توقیف میشود و دولت آنرا ضبط خواهد کرد برای این که دولت باید حق جواز نداشته است و اگر موافق نرئیس که دولت در این خصوص می دهنه البته از آن اشیاء اخذ می شود و صاحبش نمی تواند بطور قاچاق یا طورهای دیگر آنرا بگذراند از این جهت بنده تصور میکنم که این ها یک چیز است که نامشخص آن در سرحدات و کمراکات می شود و نه اجازه لازم دارد و نه اطلاع.

**آقای مؤمن الملک** - در این پیشنهادها چون می بینم که این بیان مبهم هستم در این پیشنهادها بعضی از آنها را بکلی محال این قانون می دانم از این جهت لازم می دانم که بنده عرض کنم - یکی از این پیشنهادها این است که هیچ اجازه از دولت لازم نیست و صاحب اراضی حق دارد که بدون اطلاع و اجازه از دولت حفاریات بکند و این را در نظر دارنده آن شخصی که حفر کرد و چیزی را پیدا کرد مختار است که بفرستد یا که بصورت قاچاق حراست بگذراند در سرحد نمرک اراو بگیرند در صورتی که این را در آن بنده سابق اگر نظر نمایم گمان باشد عرض کردم که اگر فلان تاجر یک چیزی را حریص و حواست ببرد در کمراکات ترتیب آن معین شده است و حواست را که باید بگیرند می گیرند آن ترتیب معین است مادر اینجا نمی خواستیم حقوق کمراکی آنها را معین کنیم که هر چه باید بگیرند ما می خواهیم این اشیاء را که بیرون می آورند و شاید چندین هزار تومان قیمت آن بواسطه بعضی نقشه هائی که در روی آنست و خیلی برای ما اهمیت دارد برای آنها ترتیبی بدهیم که از دست دولت نرود برای این که این ها چیزهائی است که باید دولت آنها را داشته باشد و از اسامه دولت است ما اینکار را می خواهیم بکنیم به این که حقوق کمراک برای آنها بخواهیم معین کنیم مکرر عرض کردم بار گوش بفرمائید بنده نمی دانم و این اظهارات را می کنند خوبست آقایان نمایندگان اهل کوشان را باز کنند و توضیحات مغیر التماس بفرمائید بعد از آن پیشنهاد بکنند و آن قدر وقت مجلس را تلف نکنند.

**حاج سید ابراهیم** - بنده این عرض را که می خواهم بکنم گمان می کنم که رافع تراست بجهت این که اشکالی که کرده اند ازین راه است که دولت نباید صرف تسلط از مالکین ملک نماید و نباید بصاحبان املاک ما بگوئیم که حفاریات شما در املاک خودتان موقوف با اجازه دولت است و شاید دولت اجازه ندهد و این مخالف مدلول الناس

(۱) از طرف آقای حاج سید ابراهیم - این بنده پیشنهاد میکنم که ماده علی بنده چنین نوشته شود هرگاه کسی در ملک شخصی خود حفر عتیقات بکند باید با اطلاع دولت باشد تا مالیاتی که از آن باید گرفته شود اخذ شود.

(۲) از طرف آقای مؤمن الملک - حفر در اراضی مملکت در طلب اشیاء عتیقه اگر در ملک دولت است باید با اجازه دولت باشد و اگر در املاک شخصی است باید با اطلاع وزارت فوائد عامه باشد بشرط رعایت ماده دوم.

(۳) از طرف و کبل التجار - بنده پیشنهاد

سلطان علی‌الموالم‌الرفعه هم است باین جهت اگر در آخر ماده نوشته شود که دولت‌الکلیت اجازه نخواهد داد آنوقت آن توضیحی که می‌کنند رفع نخواهد شد و اگر بخواهیم بگوئیم که اجازه دولت لازم ندارد بنده گمان نمیکنم که تا سال دیگرس خیلی اسباب رحمت بزرگی خواهد شد پس خوبست که این ماده همینطور نوشته شود در آخر این عبارت زیاد شود که معلوم باشد که دولت باید به مالکین املاک اجازه بدهد یعنی حق ندارد اجازه ندهد.

**معزز الملک** — چون فرمایشات آقای مغیر تا یک اندازه راجع بود به پیشنهاد بنده از این جهت لازم می‌دانم به عرض توضیح بدهم در پیشنهاد خودم و اختیاری را در کرده‌ام بعد از این که این جا یک مطالبی است اساسی که معجز می‌شود و آن این است که سترالی می‌بود که صاحبان املاک شخصی تسلط بر املاک خود دارند و می‌توانند هر قسم تصرفاتی در املاک خودشان بکنند البته جواب بعضی حواشی بود که البته حق دارند می‌توانند داد از این ماده نقلی یک حق خارج می‌شود و آن اینست که بنده مالکیت یک مملکت دولت را از دست می‌دهم و چون لازم می‌آید تصرفاتی در مملکت خود می‌کنم یا این که اجازه از دولت آن مملکت بگیری پس این است ممکن است بعضی از مالکین متعلق به دولت باشد بعضی متعلق به دولت نباشد چنانچه هست البته وقتی که من می‌خواهم تصرف در اراضی متعلق به دولت بکنم باید از دولت و نماینده دولت که وزارت فوائد عامه است اجازه بگیرم اما اگر در اراضی شخصی بخواهم تصرفاتی بکنم از کی باید اجازه بگیرم از مالک باید اجازه بگیرم و اگر خود مالک هستم از کسی نباید اجازه بگیرم فقط از حق مالکیت خودم اجازه بگیرم پس این پیشنهاد است که اصلیت در اینجا که تمام تصدیق دادند که مالک حق تصرف در مملکت خودش دارد و این خود جوابی می‌دهد که نتیجه اش این خواهد بود که هر کس هم که بخواهد در آن ملک تصرفاتی بکند باید از صاحب ملک اجازه بگیرد هم از این که برای کشف عقیقات باشد یا برای زراعت یا برای چیز دیگر حالا اینجا قطع نظر از این که این دو ماده اساس مالکیت مالکین را متزلزل می‌کند یک مسئله دیگری هم هست و آن این است که باید یک اندازه داخل عمل شویم برای اینکه اگر کسی بخواهد در ملک خودش تصرفاتی بکند من تصور نمی‌کنم که تصرفاتی برای کشف آثار عقیقات یک علامات خارجی داشته باشد که از سایر تصرفات شناخته شود یا هیچ علامتی نمیتوان برای اقرار داد برای اینکه من می‌دانم در ملک خودم یکسای آبی سفر نمی‌آید یا دم می‌خواهد یک چاهی بکنم این علامت خارجی که ندارد که شما تخصیص بدهید آنوقت من هر کاری بکنم بخواهم در ملک خودم بکنم مثلا اگر بخواهم یک چاهی را حفر کنم فلان ماموری آید و می‌گوید شما چرا بخواهید بدون اطلاع بکنید و باید اجازه از وزارت فوائد

عامه بگیرید در صورتی که برای انکشاف یک عقیقاتی بوده است و همین طور اسباب این میشود که آزادی مراسل کند و اسباب تولید اشکال برای بنده می‌شود از این گذشته فرضا همانطور که گفتند برای انبار آب اگر من یک مغمی کردم وضعا یک اشیا می‌داند آنجا پیدا کردم در آنجا چه باید کرد پس این را دوری کافه آوردن و نوشتن شاید آسان باشد ولی در مقام عمل دوچار اشکالات خواهیم شد که رفع آن خیلی مشکل است پس چه باید کرد باید گفت که در اراضی دولت اگر کسی بخواهد تصرفاتی بکند البته اجازه دولت و وزارت فوائد عامه که نماینده او است لازم است ولی در املاک شخصی جزا اجازه از صاحبان املاک اجازه کسی دیگر لازم نیست و این عدم لزوم اجازه از دولت حق دولت را هیچ وجه سلب نمی‌کند از آن چیزی که پیدا شده است بجهت این که مطلب دوتا است یکدفعه کردن است برای پیدا کردن چیزی یکدفعه این است که در این سفر کردن چیزی پیدا شد وقتی یک چیزی پیدا شد هم از این که اجازه دولت باشد یا برای اجازه دولت باشد همدا باشد یا همدا باشد هر قسم که باشد میتوانم بگویم یک حق برای دولت تعلق می‌گیرد بآن چیزی که پیدا شده است و دولت می‌تواند بگوید برای کلیه اشیا می‌تواند بگوید که این حق قانونی معین میشود یک مالیتی می‌گیریم — بعضی از آقایان اینجا گفتند که بجای اجازه باید نوشت که با اطلاع دولت باشد و آقای مغیر اظهار داشتند که اگر اجازه یا اطلاع هیچ کدام در اینجا قید نشود و بدولت این حق را بدهیم آنوقت ما چطور میتوانیم معین بکنیم که یک چیزی را فلانکس در ملک خودش پیدا کرده است یا پیدا نکرده است همین اظهارات ایشان بر می‌خورد یک ماده که در این لایحه است که نوشته اند هر گاه کسی بی اجازه اداره عقیقات حفر اراضی نماید یا چیزی از عقیقات دستبرد بدهد یا پنهان نمود حقوق دولتی را نیز دراخته باشد پس از کشف عینا ضبط میشود پس همان قوه که دولت اگر من اظهار نکردم یا مخفی کردم آنرا ضبط می‌کنند برای این که آنرا پنهان کرده‌ام و مالیاتش را نداده‌ام یا اینکه تصور می‌کنم که این هیچ منافاتی ندارد با اینکه دولت این حق را داشته باشد که از اشیا عتیقه یک حق بگیرد حالا اگر از صد نفر یک نفره ناچاق بکنند ربطی باین مطلب ندارد برای اینکه شما هیچ قانونی را نمی‌توانید بنویسید که یک مستثنائی نداشته باشد و یک خلاف قانونی در آن خصوص بعمل نیاید مثل این که ترتیبات که کردی شما که باین منظری است با وجودیکه در هر نقطه بگذرانم مامورین و مستحقین هست باز آنطوریکه لازم است نمی‌توانند جاو گیری از قاچاق بنمایند پس قاچاق در واقع یک مستثنائی است از قاعده کلی و این هیچوجه منافاتی ندارد با آن پیشنهادیکه بنده کرده‌ام که در اراضی دولت با اجازه دولت در اراضی شخصی با اجازه صاحبان املاک باید تصرفات شود و چه حق مالکیت مالکین را متزلزل نمی‌کند و آن حق را هم که برای دولت با شاه عتیقه تعلق می‌گیرد از این نخواهد رفت و اطلاع و اجازه هم یک

مجلس از وضع گرانی و بدی گوشت و از طرف رئیس محترم مجلس ارجاع شد بکمیسیون داخله کمیسیون داخله نوشت برای اصناف و تجار که اگر شما اشخاصی را سراغ دارید که با تأمینات لازم و تضمینات شکلی که مقرن بصره باشد برای ملت بتوانند امر گوشت را اداره بکنند آنها را ببلدیه معرفی کنند و بلدیه صورت قرارداد را بوزارت داخله بفرستند تا اینکه از طرف وزارت داخله آن صورت قرارداد بیاید بکمیسیون و از مجلس بگذرد در بین اینکه این جواب را دادیم آن کمیسیون سابق که در زمان هیئت مدیره و کمیسیون عالی منعقد شده بود ملتفت شدند و فهمیدند که یک جمعی حاضر شدند برای اداره کردن گوشت آمدند بهیئت رئیس و هیئت ریسه آنها را فرستادند بکمیسیون داخله و در آنجا اظهار کردند که با این امتیاز ما را مجلس تصویب بکنند یا اینکه از فردا استعفا میدهیم و دستار خواهیم برد کمیسیون داخله و اینکه رجوع کرد با امتیاز نامه یک ماده در آن دیده که نوشته بود این امتیاز را هیئت مدیره با کمیسیون عالی مینماید ولی پس از افتتاح مجلس شورای ملی باید برود بمجلس و از مجلس بگذرد و بنده کمیسیون داخله را بنده بردیم در سیم که آقای فوام السلطنه که ابوقت مساوی وزارت داخله بوده است آن صورت اختیارنامه را آورده‌اند بکمیسیون داخله امرا قبول نکرده‌اند و بعد خود ایشان هم امرا اختیار داد کرده‌اند بعد رفته اند یک صورت دیگری با کمیسیون بسته اند که کمیسیون عالی قبول کرده است و این امر گوشت همین تصور معنی بدون تصویب مجلس شورای ملی مانده است و در این صورت پنهان و پنهان و پنهان کمیسیون سابق این کمیسیون مردم این شهر را بدون تصدیق و تصویب مجلس شورای ملی چنانچه از آنوقت آمده اند وزارت داخله یک جمعی را حاضر کردند با اطلاع حکومت طهران و اینچنین بلدی را بر کمیسیون داخله دادند یعنی آنها متعهد شدند که ما می‌رویم در گوشت را که اینها در هشت عباسی می‌روند ما در شش عباسی می‌رویم مشروط بر اینکه تمام ششک باشد و پنج هزار تومان هم پول نقد می‌کنیم در یکسی از تجارخانه‌ها و از برای بز و میش هم دکان جدا گانه معین می‌کنیم و اگر تخلف کردیم ملزم و معتمد می‌شویم که انجمن بلدی آن پنج هزار تومان را بگیرد و رفتند از روز چهارم عاشورا مشغول کشتار شدند تا روز سیزدهم و همان قسمی که متعهد شده بودند گوشت را بهتر و صد دینار ارزاقتر به مردم فروخته بعد آمدیم چه شکل شد که معاون وزارت داخله از روز چهاردهم که اینها در قصابخانه مشغول کشتار بودند یکی از اعضاء کمیسیون سابق را که هیچ قانونیت نداشته است با جمعی می‌فرستند و آنها را مانع میشوند و از قصابخانه خارج میکنند و چند نفر از آنها می‌گیرند و از آن روز باز امر گوشت را همان کمیسیون غیرقانونی اداره میکنند باین شکلی که بنظر آقایان رسیده است که چندین روز است که بنیتم سی شاهی هم پیدا نمی‌شود در حالیکه این چند روزه اینها حاضر شدند هم گوشت صحیح بدهند هم اگر آنها در هفت عباسی می‌دهند اینها در شش عباسی بدهند و

باز این مطلب رجوع کردید بکمیسیون داخله و کمیسیون داخله آقای اقتدار الهول که اگر چه معرفی نشده‌اند بمجلس و معاونت ایشان رسمیت ندارد ولی کمیسیون داخله ایشان را آوردند در کمیسیون و داخله مذاکره شدند و گفته شد که کمیسیون هیجوقت نظری باشخاص نیست وزارت داخله مشغول صحت امر گوشت است چه سابق و لاحق چه با مردمانی که طرف اطمینان باشند یا طوره‌های دیگر هر چه هست پرونده در باب صحت امر گوشت و قیمت آن قرار می‌گیرند و می‌آورند بمجلس که مجلس شورای ملی هم نظرات و ملاحظات خود را بکند و تصویب بکنند تا اینکه مردم آسوده بشوند ایشان با قول دادند که بنویسند بلدیه بلدیه گسائیرا که داوطلبند برای اداره گوشت بخواهند با آنها مذاکره بکنند و هر فراری که مقرن بصره باشد بدهند و می‌آورند بمجلس و بدینخانه تا امروز این اشخاص داوطلب که رفته اند بلدیه بلدیه گفته است با هیچ ربطی ندارد و هیچوجه از طرف وزارت داخله با اظهاری نشده است گفته اند همین را بنویسند که آمده ایم و نخواسته اند گفته اند از وزارت داخله که گفته شده است بدهیم — عرض می‌کنم که یک جمعی که امروز حاضرند که گوشت را با کمال صحت یعنی گوشت ششک صحیح در چارکی شش عباسی حاضرند که مردم این شهر بدهند بنده نمی‌دانم جهت چیست که بکمیسیون که هیچوجه بود امتیاز نامه سابق خود رفتار نکرده‌اند و روزی یکصد شصت تومان از این ملت بهیئت علاوه بر صورت امتیاز نامه شان پول گرفته اند برای اینکه در صورتی که چارکی صد دینار علاوه بفروشند تفاوتش یکصد و شصت تومان میشود و در عوض گوشت بز و گوشت های ناخوش که تولید خیلی از امراض میکند علت چیست که اینها بطور بهتری حاضرند اداره بکنند حاضر نمی‌شوند که باینجا بدهند و امروز کمیسیون داخله هر قدر تلفون کرده است آقای اقتدار الهول که تشریف بیاورید در امر گوشت باشما مذاکره بکنیم و بهیئت که در امر گوشت چه فراری داده اید جواب داده اند که امر گوشت هیچوجه امتیاز و قرارش مربوط بمجلس نیست و منتهی در اینجا کار زیاد دارم و نمی‌توانم امروز بمجلس بیایم این مذاکرات امروز در اینجا برای این بود که مردم این مملکت هیچجه گمان میکنند که امران اگر یک اختلالی پیدا نکنند بواسطه عدم مساعدت مجلس و نمایندگان محترم است اگر امر گوشت اختلالی پیدا بکند باز گمان میکنند که بواسطه عدم مساعدت مجلس است و نکند سایر امور اینست که بنده آمده‌ام اینجا که اقدامات مجلس شورای ملی و کمیسیون داخله را در این جهت عرض کنم و عرض می‌کنم که تمام این شهر بدانند که مجلس شورای کمیسیون سابق را قانونی نمی‌دانند برای اینکه امتیاز نامه او بتصویب مجلس رسیده است و در تمام این مدت هر قدر گوشت بدم داده است و هر قدر پول گرفته است تمدی کرده است بدون اطلاع مجلس شورای ملی و گوشت بد باین بندگان خدا داده است و تا وقتی که وزارت داخله یک قرار جدیدی بیاید اشخاص معینی ندهند و آن قرار از نظر مجلس نگیرد و مجلس تصویب نکند امر گوشت آزاد است و هر کس خودش می‌تواند بکشد و بفروشد (اغلب گفتند صحیح است).

**رئیس** — دستور جلسه آتی تعیین تکلیف

**محمد هاشم میرزا** — بملاحظه اینکه کلیه اذهان عامه آنطوری که باید فرقی ندهند آراء تمام اعضاء مجلس را از اکثریت و اکثریت را از اقلیت فرقی نمی‌دهند و فرمایش و نطق هر یک از نمایندگان را نسبت بتمام می‌دهند و باین جهت اغلب اسباب ابرار از برای تمام نمایندگان میشود لهذا بنده که یکی از اشخاص هستم عرض می‌کنم دیگران که اینطور که اعضاء کرده‌اند میخواهند یعنی قرار گذاشته اند که هر یک از نمایندگان که یک اظهاری کردند و سایرین برخلاف اظهارات آن نماینده بودند و از بیانات آن ناطق تفر داشتند تفر خودشان را در کمال وضوح بیان بکنند تا هر کس بداند که هر اظهاری که می‌شود عقیده چند نفر است و از این جهت این بیان نامه که فی الواقع توضیح نامه است در بیان نهایی و تقدیس رئیس مجلس از شائبه بعضی توضیحاتی که امروز نسبت بایشان اظهار شد در ضمن چهار سطر نوشته شده است و اجازه می‌خواهم که بخوانم

**رئیس** — التفات فرمائید این مسئله در اول مجلس مذاکره شد و در این خصوص رای گرفتیم و فعلا چون راجع بشخص بنده است راضی نیستم دیگر در این خصوص اظهاری بشود

**محمد هاشم میرزا** — بنده عقیده خود مرا می‌خواهم عرض کنم و اینهم راجع بحضرتعالی نیست راجع بنمایند کانیست که این دروغ را اعضاء کرده‌اند اگر تصویب نمی‌فرمائید نمی‌خوانم (اغلب گفتند باید بخوانید و بی‌مبارت ذیل قرائت نمود)

نمایندگان اعضاء کنندگان ذیل اظهارات اسدالله خان کردستانی را که شلواده آن صیبهت ضدیت های شخصیت ردونکتیب کرده مقام ریاست مجلس را منزه از اظهارات ایشان میدانم و چنانچه آنفر خودمان را از این اظهارات در مجلس بیان می‌کنیم

**محمد هاشم میرزا** — آقایان که اعضاء کرده‌اند آقای صدر العلماء — آقای معزز الملک — آقای معین الرعایا — آقای حاج وکیل الرعایا — آقای منتصر السلطان — آقای تربیت — محمد هاشم میرزا — آقا حاج میرزا صادق — آقای شیخ غلامحسین — آقای شیخ محمد خبابانی — آقای سید حسین کرازی — آقای شیخ اسدویل - آقا میرزا احمد - آقای نجم آبادی - آقای سید جلیل آقای حاج شیخعلی - آقای سید محمد رضا - ارباب کیخسرو آقایان آقا شیخ رضا - ابوالقاسم میرزا - آقا شیخعلی معتمدالتجار - سلیمان میرزا - میرزا داودخان - ضیاء الممالک - نیر السلطان - بهجت - فهم الممالک - سردار اسعد - میرزا یانس - و آقای وکیل التجار هم قسمتی از این را اعضاء کرده اند

**آقای میرزا ابراهیم خان - آقا میرزا محمد نجف -**  
رکنی الملك - حسن بختگان .

**کاشف -** در این موضوع يك كلمه عرض  
ابتدای جلسه بقیام و تمود رأی گرفته شد بنده آنرا  
دیگر زیادی میدانم علاوه بر این مدتی است که بنده  
می بینم ما نمایندگان بوظیفه نظارت خودمان رفتار  
نمیکنیم برای اینکه نظارت ما هاضم سئوالات و  
استیضاحات باید بعمل بیاید در سئوالات بعضی از  
آقایان وزراء بشوند و يك چیزی جواب میدهند که  
شاید نتیجه که باید از آن گرفته شود نمیشود ولی در  
استیضاحات بنده تا بحال خیلی از استیضاحات ترا دیده ام  
که در اینجا خواننده اند و هیچکدام از آقایان وزراء  
تا بحال برای جواب حاضر نشده اند و این بوظیفه بنده  
بازرد فرد نمایندگان نسبت بلکه این بوظیفه هیئت  
رئیس است و بموجب قانون بخوانند و روز استیضاح  
رأعین بکنند و هر روز ریکه از آمدن در روز معین  
و جواب استیضاح دادن ابا و امتناع نمود البته بنده  
بنظر مجلس برسد و مجلس تکلیفش درباره آن وزیر  
معلوم بشود و البته وقتی که بنده نتوانم در استیضاحی  
که داده ام مذاکره کنم و مدتها از آن بگذرد آن  
استیضاح چه فایده دارد و نتیجه نخواهم گرفت و  
بواسطه این مسامحه که در جواب استیضاحات شده است  
خیلی خرابی هست که جلوگیری از آن نشده است  
برای اینکه منتهی فشار مأمورین اینست که استیضاح  
بکنم و وقتی که آنها برای جواب حاضر نشوند البته  
ما هم نمی توانیم بوظیفه خودمان عمل بکنیم و این  
مذاکرات هم که ما میکنیم و از همه دیگر مدافعه میکنیم  
در هیچ فایده خواهد داشت .

**رئیس -** در این مسئله که فرمودید هیئت  
وزراء نماینده جواب استیضاحات را بدهند و این  
مسامحه از طرف هیئت رئیسه نشده است که نمایندگان  
که از طرف هیئت رئیسه تصوری شده باشد بجهت این  
که استیضاح يك چیزی است که باید جزء دستور  
مجلس گذاشته شود مثل سئوالات نیست که نمایندگان  
در اول و آخر جاسات بتوانند اظهار بکنند دستور  
مجلس هم به اختیار خود نمایندگان ملت است هر  
روز برای که صلاح میدانند تقاضا بکنند استیضاحشان  
جزء دستور گذاشته شود و در صورتیکه وزیر بیاید  
رأی خودشان را در آن خصوص اظهار نمایند پس در  
اینجا هم ایرادی نیست هیئت رئیسه نیست .  
(رئیس حرکت کرد و مجلس یکساعت از شب  
گذشته ختم شد) .

**جلسه ۲۰۴**  
**صورت مذاکرات روز شنبه ۲۶ محرم -**  
**الحرام ۱۳۳۵**  
مجلس یکساعت و نیم تهن از غروب آفتاب ریاست  
آقای متین السلطنه نایب رئیس تشکیل شد .  
صورت مجلس روز پنجشنبه ۲۴ محرم ۱۳۳۵ را  
آقای ماضد قرائت نمود .  
(عابین جلسه قبز)  
مستشار الدوله - ممتاز الدوله - وحید الملك -  
آقامیرزا علی آگراخان .  
بدون اجازه آقا شیح رضا - حاج وکیل الرعایا  
ابوالقاسم میرزا - حاج آقا - سردار اسعد - آقامیرزا  
ابراهیم قی - بوقوع حاضر نشده اند .

**مشرالدوله مریض بودند**

**نایب رئیس -** در صورت مجلس اگر ملاحظاتی  
هست ؟ خواهید فرمود . آقای آقا شیخعلی راجع  
بصورت مجلس ملاحظاتی داشته اند ؟

**آقای آقا شیخ علی -** اگر چه رأی  
گرفته شده است که اگر مطالب مقررده ای هست  
در آخر جلسه گفته شود ولی بنده يك عرض متصری  
دارم که لازم می دانم عرض کنم .

**نایب رئیس -** در آخر مجلس بفرمائید .  
**دکتر علی خان -** در صورت مجلس باید  
يك چیزی قید بشود و قبل نشده است و آن بی قانونی  
بود که از طرف نایب رئیس ها شده است برای این  
که وقتی که بواسطه يك مطلب شخصی رئیس از  
مجلس خارج می شود قانوناً بيکی از نایب رئیس  
ها باید بجای او بنشیند و مجلس مشغول کار بشود  
لازم نیست که اگر يك وقتی رئیس بواسطه يك کار  
شخصی از مجلس بیرون رفت نایب رئیسها هم بیرون  
بروند و مجلس مطلل و موقوف بماند بنده عقیده ام  
این است که رفتن نایب رئیسها از مجلس ناصحیح  
بوده است و باید در صورت مجلس قید بشود که بی  
جهت بیرون رفته اند .

**نایب رئیس -** اگر اشاره نمایند محترم  
بجلسه سابق است نمی توان مجبور کرد نمایندگان  
را که در يك موقعی در مجلس بمانند و البته  
اگر نمایندگان می مانند نایبان رئیس هم می  
نشستند .

**حاج شیخ رئیس -** در صورت مجلس  
نوشته شده است که اغلب نمایندگان بیطرفی رئیس  
رأی دادند این عبارت ناموزون است همین قدر  
بنویسند که بقیام و تمود اظهار و اعتماد و حسن  
عقیده خودشان را نسبت بشخص رئیس اظهار  
سکردند .

**آقا میرزا اسدالله خان -** بنده با  
کمال اختصار يك عرض کوچکی داشتم و آن راجع  
بشرحی است که شامزاده محمد هاشم میرزا در غیبت  
بنده خوانده بودند بنده دعوت می کنم تمام نمایندگان  
را بخدمت خوانند و متابعت آنها برای اینکه در صورتی  
که بنده خودم در مقام حفظ و متابعت قانون نباشم  
نمی توانم از دیگران توقع داشته باشم که خودشان  
رئایب قوانین بمانند و فقط از مجلس شورای ملی  
می خواهم بپرسم که آیا در نظامنامه داخلی ما يك  
مجموعه ماده هست که برای جلوگیری از يك وکیلی  
يك چنین لایحه ای را بیابوزن بخوانند و پیشنهاد  
بکنند بنده گمان می کنم يك همچو ماده در نظام  
نامه داخلی ما باشد علاوه بر این بيکی از اولین اصول  
مشروطیت و حکومت ملی آزادی نطق است که يك  
وکیلی نطق خودش را بنیاید و عقیده امی را که دارد  
اظهار بکند و اگر يك وکیل دیگری خوش بنامد  
از بیانات اولی بایستی بروند بعمل نطق و بازاید و  
براهین اظهارات او را رد بکنند بنابراین در آن موقع  
اگر بعضی از آقایان عریض بنده را تصدیق نکرند  
می بایستی دلائل اظهاری را که کردم از بنده بخوانند  
**معرز الملك -** در صورت مجلس يك كلمه

عرض ندارم لکن چون پیشنهادی که در اظهار  
تفر شده بود بنده بيکی از کسانی بودم که آن را  
امضاء کردم و این اظهاراتی که شد راجع به آن  
پیشنهاد بود اجازه می خواهم که توضیح بدهم دلائل  
خود را و باید هم شما اجازه بدهید که دلائل خودم را  
اظهار بدارم .

**نایب رئیس -** بفرمائید .

**معزز الملك -** خود آقای آقا میرزا اسدالله  
خان اینجا اذعان و تصدیق فرمودند که اگر يك  
وکیلی عقیده اش برخلاف اظهارات يك وکیل  
دیگر است ممکن است بیاید بعمل نطق و دلائل  
خودش را اظهار بکند پس اگر چه نظر از  
نمایندگان مخالف اظهار يك ناطقی باشد ممکن است  
فرد افتد و اظهار را عقیده خودشان را بنمایند و  
همین طور ممکن است آنچه از چهار عقاید خودشان  
را دری کاغذ بیاورند و اظهار مخالفت با اظهار آن  
ناطق بکنند حالا بجهت اینکه اظهار کردیم چه بود  
چونش این بود يك نفر البته حق دارد که اظهار  
عقیده خود را بکند و هر چه می خواهد بیان نماید  
و آزاد است ولی هیچ قانونی چه قانون مملکتی  
و چه وجدانی اجازه نمی دهد بيك نفر نماینده که  
آزادی پارلمانی را بشیر دست خودش بکشد و  
باید در این جا مقاصد شخصی خودش را پیش برد  
و بنده که بيکی از نمایندگان و امضاء کنندگان  
آن لایحه هستم حق خودم میدانم که اظهار تفر  
از بیانات يك نماینده ای بنمایم و آن لایحه هم  
در جلسه قبل پیشنهاد شد بمنزله يك کلکسیون و  
يك قطعه نامه ای است که از طرف نمایندگان  
پیشنهاد شد و آراء و عقاید خودشان را در آن  
اظهار کردند .

**آقای میرزا ابراهیم خان -** هیچ شبهه نیست  
که در این وضع نمی شود مگر برای احتیاجات هر  
احتیاجی يك جمعیتی راجع به می کند بعمل قوانین  
و قواعد نظامانی برای حفظ حدود خودشان البته  
آقایان ملاحظه فرموده اند که مذاکرات خارج از  
دستور قبل از شروع بدستور مجلس اصل مطلب و  
موضوع دستور مجلس را اثر می کنند بلکه بسامحت  
که تولید اشکالات دیگری می کند که خیلی اسباب  
نأسف و ملامت است اگر چه بنده در روز قرضم از آن  
بیش هاد برای همان در بر بود که نمی مابین آقایان  
نمایندگان مجترم بقدر اذنی می دیم و تصوری کردیم  
که يك مذاکرات مختلفی بشود که بيکی ترتیب پیدا  
و موضوع مذاکرات دستور مجلس را از بین برد  
ولی ما سفاهت امروز بدتر از دیروز است این نظامنامه  
داخلی را کی نوشته و کی به این مواد نظامنامه رأی  
داده است مسلم است که همین آقایان مجترم نظر  
بازوم حفظ نظامات و ترتیب مجلس این مواد صد و  
چند گانه را نوشته اند خود این هیئت مجترم می توانند  
هر يك از آن مواد را که بخوانند نسخ نمایند با اینکه  
يك ماده را برد اضافه بکنند این ترتیبی را که پیش  
آمده است و شروع کرده ام خیلی مناسقم از این  
که مو وع مذاکرات مجلس را که برای رفع احتیاجات

**نایب رئیس -** بفرمائید .

مملکتی است بواسطه اظهارات شخصی و وقت می ماند  
مثل اینکه آقای آقا میرزا اسدالله خان مخالف  
میل جماعتی يك اظهاری کردند و آن جماعت  
هم از بیانات ایشان اظهار تفر کردند در  
صورتی که این مطالب هیچ ربطی بموضوع مذاکرات  
مجلس ندارد و امور عامه از برای اختیارات شخصی  
هیچوقت نباید مطلل و مهمل بماند و البته بهتر این  
است که اگر چنانچه ماه يك اشکالی قیام بین خودمان  
داریم در اطراف تنفس که مانعی نداریم آن مذاکرات  
را بنمایم و در مجلس وقتیکه وارد می شویم بآن  
وظیفه ای که از برای ما معین شده است رفتار بنماییم  
از این جهت برای حفظ این نزاکت در آینده باز  
بنده آن پیشنهادی را که دیروز کردم و قصد فقط  
حفظ نظم و ترتیبات جلسه دیروز بود تجدید می کنم  
و از آقایان نمایندگان مجترم استدعا میکنم که  
نصوب بفرمایند که قبل از شروع بمذاکرات ناطقی  
که خارج از دستور است نشود و هر کسی هر حرفی  
دارد از برای اتفاتی که افتاده است و از برای مطالب  
اساسی که بطاعتر مبارکشان رسیده است در ختم  
مجلس اظهار بفرمایند که در ختم جلسه ما بروی  
متفرق نشویم و بدانیم که مطالب دیگری هم هست  
که باید در مجلس مذاکره بشود و استدعا می کنم  
که این پیشنهاد را اگر تصویب میکنند در تانی  
داخل مذاکرات خارج از دستور نشوند .

**نایب رئیس -** در خصوص این پیشنهاد که  
می فرمایند باید يك جلسه در آن مذاکره کرد امروز  
با مال نأسف باید خاطر نمایندگان مجترم را  
مستحضر بکنم که آقای ذکاء الملك از مقام ریاست  
مجلس شورای ملی استعفا داده اند و بایستی بموجب  
ماده پنزدهم نظام نامه داخلی مجلس در تحت  
ریاست مسن ترین نمایان منعقد شده است نمای  
ایشان قرائت شود ولی با همان افسوس مجبورم عرض  
کنم که مسن ترین نمایان رئیس هم که آقای حاج  
سید نصراله می باشند ایشان هم استعفا دادند این  
است که این زحمتی را که بنده هیچ رضی نبودم در چه  
موقتی بدوش بگیرم متحمل شدم حالا اگر آقایان  
نمایندگان مجترم اجازه می فرمایند هر دو استعفا  
نامه را قرائت نمایند .  
(بقرار ذیل قرائت گردید) .  
مقام منبع مجلس مقدس شورای ملی شیداله  
ازگانه .  
بنده با کمال شرمساری از این که مقادری از  
اوقات شریفه مجلس مقدس را مصرف شخص خود  
می نمایم از آن محضر مبارک استدعا میکنم استعفا  
بنده را اذن فرمایند .  
[دوم استعفا نامه آقای حاج سید نصراله بمضمون  
ذیل قرائت شد] .  
مقام مجترم ریاست مجلس مقدس شورای ملی  
شیداله ازگانه .  
این بنده از مقام نیابت ریاست مجلس استعفا  
دادم مستعفی است تکلیف شود برای اشغال آن  
مقام دیگری انتخاب فرمایند .

**نایب رئیس -** بموجب همان ماده در نظام  
نامه داخلی که عرض شد حالا این جلسه می باید  
اختتام بیاید دستور جلسه روز شنبه همین دستور  
است علاوه بتغایک نفر رئیس و يك نفر نایب رئیس  
[مجلس یکساعت قبل از غروب آفتاب ختم شد]

**جلسه ۲۰۴**  
**صورت مشروح مجلس روز شنبه**  
**۲۹ شهر محرم الحرام سنه ۱۳۳۵**  
مجلس يك ساعت و ۵ دقیقه قبل از غروب  
ریاست آقای متین السلطنه تشکیل شد .  
آقای ماضد الملك صورت مجلس يوم شنبه ۲۶  
شهر مزبور را قرائت کردند .  
( اسامی عابین بقرار ذیل قرائت شد) .  
آقایان مستشار الدوله - وحید الملك -  
دهخدا - سیددار اعظم - سردار اسعد - حاجی  
سید نصرالله - کاشف - آقا سید محمد باقر ادیب  
با اجازه غائب بودند آقایان آقا شیخ رضا حاجی  
وکیل الرعایا - علی زاده . بوقوع حاضر نشدند .

**نایب رئیس -** در صورت مجلس اگر  
ملاحظاتی هست خواهند فرمود . ملاحظاتی نیست ؟  
[ اظهاری نشد و صورت مجلس را امضاء  
فرمودند ]

**آقای شیخ اسدالله -** بنده تقاضا می کنم که  
انتخاب رئیس و نایب رئیس را در آخر جلسه فرار  
بدهند و حالا شروع بدستور مجلس بشود .

**سليمان ميرزا -** اگر این مطلب قبول  
شود عریض بنده هم در آخر جلسه خواهد بود

**آزباب کیخسرو -** بموجب نظام نامه داخلی  
تا امروز صبر کردیم و امروز کاریکه باید بکنیم  
انتخاب رئیس و نایب رئیس است کار دیگر نداریم  
ویش از سه روز نمی شود این انتخاب را تعویق  
انداخت بنده نمیدانم جهت اینکه این تقاضا شده  
است چیست ؟

**نایب رئیس -** این اهمیتی نخواهد داشت بنده  
بنظر نمایندگان مجترم است اگر نمایندگان مجترم  
به تقاضای خودشان باقی وقایب نیستند شروع به  
انتخاب رئیس میکنند .

**شیخ اسدالله -** در اینجا بنده نظر بيك  
نقطه داشتم که اگر عرض میگردم گویا نمایندگان  
هم می پذیرفتند ولی زیاد هم اصراط ندارم اگر  
ارباب می فرمایند که مطابق قانون الان باید انتخاب  
رئیس یا نایب رئیس بشود و بنده تقاضای خود را  
پس می گویم .

**نایب رئیس -** شاهزاده سلیمان میرزا فرمایشی  
داشتند .

**سليمان ميرزا -** بر هیچکس نمی توان تکلیف  
کرد که دادای يك ملک و سلبه باشد این معنی  
است و جای هیچ شبهه و مفاکره نیست و معنی در  
تمام مجالس و پارلمانهای ممالک دنیا احتزاب مختلف  
و فرق سیاسی هستند که نظریات سیاسی خودشان  
را بموجب عادت و ترفی این مملکت مو داند لکن  
در مملکت بعضی از مقامات است که وقتی  
که شخصی دارای آن مقامات شد دیگر  
تمام ممالک و فرق و احتزاب که نزد او بکیست از آن  
مقامات عالی که محتما باید بی طرف باشد بيکی مقام نیابت  
سلطنه عظمی است که معنی چنانچه لازمه آن مقام عالی  
است بی طرف هستند و بهی طرفی معروف هستند

یکی از آن مقامات مقام ریاست مجلس شورای ملی است که او هم باید بی طرف باشد و بستگی بیک حزب و یک فرقه نداشته باشد و ترویج مصلحت خودشان را کنار بگذارد و الا سایر اشخاصی که هستند و فرقه سیاسی که در مجلس و غیر مجلس موجودند هر کدام یک نظر باریک سیاسی دارند و آن نظریات سیاسی خودشان را تمام بام است و دستکاری و راه نجات مملکت میدانند و هر فرقه بر صحت و اثبات عقاید خودشان دلایل بسیار دارند و امروز هم در همین مجلس مافوق مختلف و مسالک متغایره هست متتھی بطور علنی و آشکار نشده است والا هر کسی یک نظری می کند آن اشخاصیکه عالم بر موز و فضایی سیاسی هستند می دانند که این نظری مبنی بر چه عقاید سیاسی است لکن این مسالک و فرقه سیاسی هنوز کاملاً علنی نشده است و رئیس مجلس باید همیشه باین فرق مختلف سیاسی نظراتش علی السواء باشد بنا بر این مقام ریاست هم به بی طرفی نباید شناخته شود و بی نظیر و بی طرف هم بوده اند لهذا بنده از طرف حزب دموکرات از جانب فراکسیون دموکرات از طرف شمشه پارلمانی دموکرات در اینجا تمام همکاری خود عرض می کنم که چون ما ها مقام ریاست و نیابت ریاستی را کاملاً بی طرف میدانیم بنابراین هیچ کاندیدائی نداریم و هر کس را که با اکثریت انتخاب میکنند از اشخاصی که بتوانند تک نفس بکنند و در بیطرفی معروف باشند حاضر خواهیم بود که انتخاب بکنیم و اتفاق خواهیم داشت چون باید ریاست مجلس با اتفاق معین شود مثلاً آقای مؤمن الملک را اگر انتخاب بکنند شمشه پارلمانی دموکرات هم حاضر است کاشان را انتخاب بکنند و بی نظیر و اتفاق دارند در اینکه آقای مشیرالدوله را انتخاب نمایند یا آقای حاجی سید نصرالله یا آقای دکتر علی خان را انتخاب نمایند و امثال آنها از آقایان دیگر هر کسی را که بطور بیطرفی معرفی و کاندیدا بکنند ما حاضریم که با اتفاق انتخاب بکنیم تا اینکه بیطرفی رئیس بر همه معلوم و معین شود و رئیس انتخاب بشود و چون میدانیم که رئیس بیطرفی باید داشته باشد و هیچ وقت هیچ اظهار بستگی بیک حزبی نکنند که من میگویم مقاصد این فرقه پیش برود یا مقاصد سیاسی آن فرقه و ما رئیس را یک شخص بیطرفی میدانیم که اجرای نظامنامه داخلی را ملاحظه نمایند باین جهت هر کاندیدا که از اشخاص بیطرف بکنند ما حاضریم قبول کنیم و با اتفاق رای بدهیم

**نایب رئیس** - حالا شروع میکنیم دیگر مذاکره در این خصوص نمیشود آقایان بکنند برای ریاست مجلس مقدس شورای ملی خواهند نوشت - آقایان استدعای کنم قدری تأمل فرمائید یک عده از آقایان اجازه خواهند دادند شاهزاده سلیمان میرزا قایل از خواندن صورت مجلس اجازه داده شد و سایر آقایان بعد از قرائت صورت مجلس اجازه خواهند دادند حالا اگر آقایان بیکه اجازه خواهند دادند با اجازه خودشان باقی هستند رای خواهیم گرفت اگر آقایان مذاکرات را کافی میدانند البته رای میدهند که مذاکره شود والا اگر مذاکره را کافی نمیدانند رای نمیدهند و مذاکره نخواهد شد

**محمدهاشم میرزا** - بنده چون مخالف

نظامنامه میدانم که در موفقی رای گرفتن مذاکره شود اجازه خودم رایس میگیرم

**مشیرالدوله** - بنده مختصر عرض دارم اجازه بفرمائید (اجازه داده شد)

**مشیرالدوله** - چون شاهزاده سلیمان میرزا اشخاصی را که معرفی کردند در فرقه خودشان حاضر هستند که آنها را انتخاب کنند و حتی اسم بنده را هم بردند لازم دانستم که عرض کنم قبل از وقت که بنده را نخوانند چون ممکن است چنانچه بخاطر ایشان رسیده است بعضی از آقایان هم اسم بنده را بنویسند باین جهت عرض می کنم که اگر بنده بر فرض که انتخاب شوم استمقامت خواهم کرد لهذا برای اینکه وقت مجلس تلف نشود و قبلاً عرض کردم

**افتخار الواعظین** - خواستم عرض کنم که آقای مؤمن الملک راهم حاضرند انتخاب کنند ولی ایشان حاضر نیستند قبول کنند

**نایب رئیس** - از نمایندگان معترض تقاضا می کنم که داخل در شخصیات نشوند - حالا شروع با انتخاب میکنیم بفرمایید ریاست مجلس خواهند نوشت [در این موقع اوراق منتشر و اخذ آراء شد - از برای استخراج آراء آقای حاجی میرزا رضاخان فرقه کشیده و آقایان ابوالقاسم میرزا - حاجی سید ابراهیم و حاجی آقا بقره معین شدند و استخراج بعمل آمده و نتیجه را آقای معاضد الملک مطابق صورت ذیل اعلام نمودند - ]

عده اوراق ۲۶۶، ورقه سفید ۲۵، آقای ممتازالدوله دارای ۴۵۵، رای و آقای مؤمن الملک ۲۶ رای - آقای ذکاء الملک دارای ۲۲ رای و آقای دکتر علیخان باینکه رای هستند

**نایب رئیس** - آقای ممتازالدوله با اکثریت ۴۵۵ رای از ۲۶۶ رای انتخاب شدند حالا شروع می کنیم با انتخاب بکنند نایب رئیس

(اوراق توزیع شد و اخذ آراء بعمل آمد و آقایان مستخرجین سابق الذکر استخراج آراء نموده نتیجه استخراج آراء را آقای معاضد الملک مطابق ذیل قرائت نمودند عده اوراق ۲۶۶) آقای میرزا مرتضی قلیخان دارای [۴۰] رای و آقای میرزا ملک دارای (۲۸) رای و آقای حاجی سید نصرالله و آقای فهیم الملک هر یک دارای دو رای می باشند و چهار ورقه سفید (علامت امتناع است)

**نایب رئیس** - آقای میرزا مرتضی قلیخان با اکثریت ۴۰ رای از ۲۶۶ رای انتخاب شدند (حالا در دقیقه نفس است) [ مجدداً بعد از تنفس جلسه تشکیل شد ]

شروع بشود در دقیقه قانون دیوان محاسبات گردید

**پیشنهاد وزیر**

د قسمت دوم در محاکمه و استیفاء بطریق تجدید نظر

د ماده ۸۸ - صورت محاسبه را باید صاحب جمع و وارکبیل مخصوص و امضاء کرده و منزل اصلی یا منزلی را که در بای تحت اختیار کرده است در ورقه قید نمایند

**پیشنهاد کمیسیون** - فصل دوم در محاکمات استیفاء

هم که آقای حاجی سید ابراهیم فرمودند صبح است باید دو ماه نوشته شود

[ماده مزبوره با اصلاح قرائت شد]

**فهم الملک** - این عبارت باید اصلاح شود این در ظرف در ماه از سال گذشته را تبدیل کنند باینکه حساب آن سال گذشته را تا دو ماه از سال نو گذشته بنده مقصود این است که سال که تمام شد آن حساب خودشان را تا دو ماه از سال آینده بدهند

**آقا میرزا ابراهیم قمی** - بنده قبل از شروع در خواندن قانون دیوان محاسبات اجازه خواسته بودم که تقاضا کنم که تقاضای دیوان محاسبات تمام نشده است قانون دیگری را جزه دستور نگذارند

**حاجی سید ابراهیم** - در ماده ۶۰ دیوان محاسبات نوشته است ( صاحبان جمع و مأمورین مذکور )

در ماده (۵۸) باید صورت حسابهای خودشان را پس از ختم سنه مالی تا دو ماه از سال بدیوان محاسبات تسلیم نمایند) و اینجا بنویسند صاحبان جمع صورت حسابهای خودشان را در ظرف سه ماه از سال گذشته مرتب کرده خود یا و کپشان امضاء نموده و مستقیماً یا توسط اداره متبوعه بدفتر دیوان محاسبات بدهند و حال آنکه باید برای دادن بدفتر دیوان محاسبات یا دو ماه باید بگیریم یا کمتر جهت اینکه آنجا نوشته اند و اینجا سه ماه چیست این اشتباه است

**ارباب کبخی** - اینجا آقای آقا میرزا ابراهیم قمی اظهار نمودند که بنده تعجب کردم از فرمایشات ایشان نمی دانم قانون دیوان محاسبات یا قانون های دیگری را برای کدام مملکت بنویسند و وزراء نمی آیند اینجا مطالب اساسی را جواب بدهند و ایشان تقاضا میکنند که حکماً قانون دیوان محاسبات را باید جزء دستور گذاشت در صورتیکه باید مطالب اساسی تر از این را جلوی بنده اند حالا این امروز خوانده میشود لکن برای این ترتیبی باید معمول بشود

**آقا میرزا ابراهیم قمی** - چون ما هر قانونی را نیمه کاره میگذاریم در شور دوم شروع میکنیم باینکه دیگری تمام تمام نشود باز قانون دیگری شروع میشود یک قانونی را نمی گذارند که اقلاً یک اداره راه بیفتد از این جهت بنده این تقاضا را کرده ام

**دکتر علیخان** - اینجا نوشته شده است که ( بتوسط اداره متبوعه بدفتر دیوان محاسبات بنده کدام میکنم که لفظ دفتر لازم نباشد که بدفتر تسلیم کنند باید اداره محاسبات تسلیم کنند [ مجدداً ماده مزبور قرائت شد ]

**فهم الملک** - در ماده بند توضیح میشود باید حسابها را بگیرد و رسید بدهد و اینجا که این قید را کرده اند فقط برای توضیح است که حکماً بپردازند بدفتر بدهند آنجا رسید بگیرند آن طلبی را

ماده ۸۶ - مدعی المسموم در اول هر سال صورتی از حسابهای که صاحبان جمع باید بدیوان محاسبات بدهند مرتب کرده بر رئیس کل می دهد و اگر در مواده مقرر صاحب جمع صورت نفرستد رئیس کل و مدعی المسموم موافق ماده (۶۲) تنبیه او را درخواست خواهند کرد

**حاجی سید ابراهیم** - در این مواده که نوشته شد فقط صاحبان جمع مکلف بودند که صورت حساب را بدهند دیگر مدعی المسموم که مدعی المسموم هم بدهند اگر باید بدهند باید ذکر بشود و اگر نباید بدهند پس دیگر چرا تنبیهی برای او معین کنند این را مخبر محترم توضیح بدهند

**فهم الملک** - حسابهای را که باید صاحبان جمع معین کرده بدیوان محاسبات بدهند بعد از دادن بدیوان محاسبات مدعی المسموم باید به بنده کدام یک به متبوعه رسیده کدام یک رسیده است هر کدام از آنها باقی است مدعی المسموم پیشنهاد می کند که موافق ماده ۶۲ تنبیه شوند

**آقا میرزا ابراهیم قمی** - لفظ تنبیه را خوب است مجازات بفرمائید اگر متنبیه معنی دیگری دارد

**حاجی سید ابراهیم** - اینکه آقای مخبر فرمودند صحیح است لکن اول این ماده را بنده می خوانم ببینم چه از عبارت می فهمیم - مدعی المسموم در اول هر سال صورتی از حسابهای که صاحبان جمع باید بدیوان محاسبات بدهند مرتب کرده بر رئیس کل می دهد یعنی مدعی المسموم این کار را می کند که فقط صورت جمعی در دستش باشد و فقط این ترتیبی را که آقای مخبر فرمودند مدعی المسموم موافق صورتی که در دست دارد که فلان صورت حساب رسیده تنبیه او را درخواست می کند این خیلی خوب است بنده عرض می کنم که این مسئله را ذکر کردیم که صاحبان جمع صورت حساب خود را بدهی المسموم بدهند یا این که اگر ندادند مدعی المسموم مجازات آنها را بخواهد این عبارت را بنده که فارسی زبانم هیچ نمی فهمم

**فهم الملک** - اینکه نوشته است مدعی المسموم در اول هر سال صورتی از حسابهای که صاحبان جمع باید بدیوان محاسبات بدهند مقصود این است که صورت حساب را حاضر بکنند یعنی یک نفر سستی میدهد از حساب شریاز - اصفهان فرض تبریز - اردبیل و غیره و سایر جاها بدیوان محاسبات بعد از دیوان محاسبات می رسند این حسابها رسیده است یا نرسیده است اگر نرسیده است آن حسابها را می خواهند و تنبیه صاحب جمعها را بواسطه نرساندن می خواهند مطلب اینطور اشکال ندارد

**حاج آقا** - اگر چه موافقم ولی چون آقای مخبر درست توضیح نمی کنند و این اشکال می شود ناچارم عرض کنم یک صاحب جمع حسابهایی است که باو محول است و البته باید به آن حساب دولتی رسیدگی کند و بدیهی است چیزیکه ایوان جمع آن صاحب جمع بوده است در وزارت مالی مقرر است و مدعی المسموم باید آنچه هاییکه جمعی صاحب جمع است او

راجع کند و بدیوان محاسبات بدهد و به بنده این صاحب جمع امسال باید چه صورتی را از چه حسابهای آنی بدهد که محول شده است از طرف دیوان محاسبات باو از رفتن آن محاسبات مطالبه میکند صورت آن حسابها را یعنی صاحبان جمع باید صورت آن حسابها را بدیوان محاسبات بدهند در مدت آن دو ماه از مواده مقرر که معین شده است که باید بدهد اگر داده اند که مطلبی نیست و اگر ندادند اند تقاضای مجازاتش را می کند و این خیلی واضح است

**نایب رئیس** - رای میگیرم بر این ماده بشکلی که قرائت شد کسانیکه تصویب می کنند قیام نمایند - [ با اکثریت تصویب شد ]

[ پیشنهاد وزیر ]

ماده ۸۹ - دفتر دیوان محاسبات تمام صورت حسابهای که میرسد ضبط و در یک دفتر معین روزی را که آن صورت با دوازه رسیده است یاد داشت می کند

(پیشنهاد کمیسیون)

ماده (۸۷) - رئیس دیوان محاسبات باید تمام صورت حسابهاییکه میرسد ضبط و در دفتر مخصوص تاریخ ورود حسابهای مزبوره و اسناد و ضمیمه جات را ثبت نمایند

**آقا میرزا ابراهیم خان** - اگر اجازه بفرمائید دفتر دومی که فرض کتابچه باشد آنرا باسم کتابچه بنویسیم

**بهجت** - عرضی ندارم ولی این کتابچه مخصوص یک اصطلاح تازه است که سابقه ندارد نهایت بخواهند اشتباهی نشود بنویسند دفتر خانه و کتابچه اگر بنویسند این یک چیز مجملی خواهد شد

**وسایل التجار** - بقیه بنده این مطلب جزء نظامنامه داخلی است برای اینکه فلان چیز و تیکه وارد شده در دفتر مخصوص ثبت بشود این چیزی نیست که در قانون نوشته شود جزء دستور العمل است قانون اینستکه تاریخ او را بنویسند

**فهم الملک** - و تیکه نوشته میشود باید صاحبان جمع حکماً بدیوان محاسبات بدهند آنکه قانونی شد لابد قانونی خواهد بود بدفتر دیوان محاسبات هم یک کتابچه داشته باشد که اسناد را امضاء کند زیرا که در موقع محاکمه یک صورتی حسابی را بگویند که در دفتر دیوان محاسبات ثبت و امضاء شده دفتر دیوان محاسبات آن دفتری اینستکه در آنجا ثبت و امضاء میکنند و اصول محاکماتشان را از روی آن باید ملاحظه بکنند و آن سند ثبت دارد این است که این ماده قانونی خواهد بود

**ارباب کبخی** - بنده هیچ بنده این مسئله را که میشود سهولت حل کرد ما بواسطه اینکه سر حرف خودمان باشیم آن مسئله را با اشکالات می اندازیم اگر یک (خانه) ملحق بدفتر میشد رفع تمام اشکالات میشد بنده تقاضا میکنم که یک خانه بدفتر العزق نمایند و اینکه فرمودند نوشته شود کتبچه اصلاح کتابچه یعنی یک کتاب کوچک اگر کتاب بزرگ شد مخالف قانون میشود بنده عقیده ام اینست که در تمام جاها این دفتر را یک خانه کنارش بگذارند آن کلمه دفتر بجا خودش باشد چنانچه هم جارسم است هیچ جا نمیکویند کتابچه







علمیت آنها، بوساطت دیگری هر کمیسیونی که می خواهیم انتخاب کنیم همانا را انتخاب می کنیم در کمیسیون فوق العاده و همان اشخاص هستند در کمیسیون تفسیر همان اشخاص هستند در کمیسیون پروگرام همان اشخاص هستند در کمیسیون عدلیه همانا هستند کمیسیون اصلاح امران همان اشخاص هستند و هر چه کمیسیون ما انتخاب می کنیم همان اشخاص هستند و این بکم نظری برای ما شده است که کارها بپسرفت نمی کند و بنده خواهش می کنم از آقایان که در تمام نظامنامه داخلی نظر کنند اگر يك ماده یافتند که يك نفر بتواند در پیش از دو کمیسیون عضویت پیدا بکند با استثناء کمیسیون محاسبات و رسیدگی باعتبارنامهها که بنده حرقی ندارم و اگر چنین ماده در نظامنامه داخلی نیست و بنده عرض می کنم نیست تمام کمیسیونهایی که انتخاب شده است غلط است و در ثانی باید تجدید انتخاب شود.

**نایب رئیس** - تصور می کنم که آن مواد نظامنامه راجع به کمیسیونهای دائمی باشد و در کمیسیونهای موقتی بتوانند در پیش از دو کمیسیون عضویت داشته باشند

دستور جلسه آتی به بقیه همین دستورالعمل روز است بملاوه انتخاب يك نفر منشی رای هیئت رئیسه و مجلس يك ساعت ارشاد گذشته ختم شد.

**جلسه ۲۰**

**صورت مشروح روز پنجشنبه دوم شهر صفر ۱۳۲۹**

مجلس دو ساعت و ربع قبل از غروب آفتاب بر ریاست آقای ممتازالدوله منعقد گردید.

صورت جلسه قبل را آقای معاضدالملک قرائت نمودند.

غایبین جلسه قبل: حاج سید نصرالله، ذکاءالملک، مستازالدوله، ممتازالدوله، رحیمالملک مؤننالملک، بهادر اعظم بدون اجازه حاج وکیل الرعایا، آقا سید حسین اردبیلی، آقا شیخ باسندالله در موقع مقرر حاضر نشده اند. آقا سید محمد باقر ادیب مریض.

**رئیس** - در صورت مجلس ملاحظه که هست بفرمائید « اظهارات نشد صورت مجلس را رئیس امضاء نمود ».

**رئیس** - آن روز در موقع انتخاب رئیس بنده اینجا نبودم ولی در جلسات قبل که بودم از اغلب آقایان خواهش کرده بودم که بنده را انتخاب نفرمائید بر ریاست علی هم که داشت همان کمالات مزاج بوده و الا ملت دیگری ناشتم ولی در قیاب بنده بنده را انتخاب کردند چون مدت زیادی نمانده است بجای بنده انتخاب هیئت رئیسه و فقط چند جلسه باقی است بنده اطاعت می کنم و قبول می کنم و اهمیت می دهم که این مسئله را بر سر آقایان رسانم در این چند جلسه موقتی بنده را یکی بیطرف بدانند جز هیچ حزبی در متصو بهیچ فرقی ندارند و در کمال بر طرفی در این خدمت در ادای تکلیف ریاست حاضر می توانم عرض کنم که خیلی مطمئن باشید باز تکرار می کنم

عرض خود را که چند جلسه بیشتر نمانده است تجدید انتخاب هیئت رئیسه و بطور موقتی قبول می کنم بعد از نمی توانم قبول کنم برای اینکه هکت مزاحی بکلی مانع است در این موقع هر بیضا آقا سید محمد باقر ادیب که تقاضای اجازه مرخصی ۱۲ روز برای استلاج مراج کرده بودند قرائت شد و کمیسیون عراض و مرخصی هم مرخصی دوازده روز ایشان را تصویب کرده بود.

**رئیس** - این مرخصی است که آقا سید محمد باقر ادیب بمجلس عرض کرده و کمیسیون عراض و مرخصی هم تصویب کرده است حالا موقوف است بتصویب مجلس مقدس مخالفی نیست « اظهارات نشده »

**حاج شیخ الرئیس** - مخالفی نیست ناخوش هستند باید ایشان اجازه داده شود.

**رئیس** - پس می توانیم اجازه مرخصی [۱۲] روزه بایشان بدهیم.

**بهجت** - بنده چون مخیر کمیسیون عراض و مرخصی هستم محض استعاضار خاطر آقایان باید عرض کنم که ایشان مرخص هستند فقط برای [۱۲] روز نیست ۱۲ جلسه است بجهت اینکه مرض يك چیز اختیاری نیست بفرموده بنده نا ایشان مرض هستند باید مجلس اجازه بدهند.

**رئیس** - خودش در عرض ۱۲ روز خواسته است و دستور امروز مجلس یکی انتخاب يك نفر منشی است و قانون عتیقات قانون بودجه راجع بودجه مجاهدین مقول تجدید کنترات مسبو مولیتر و بقیه قانون دیوان محاسبات حالا شروع می کنیم با انتخاب يك نفر منشی بجای آقا میرزا مرتضی نایبخان.

« اظهارات آخر جلسه » خوب پس میگذاریم آخر جلسه.

**حاج سید ابراهیم** - چون دستور آن روز که معین شد بقیه قانون دیوان محاسبات بوده حالا این تریبی را که رئیس فرمودند غیر از آن تریبی است که آروز نایب رئیس اعلام کرد.

**رئیس** - مطابق است با آن دستوری که آروز گفته شده است قانون دیوان محاسبات هم هست.

**منتصر السلطان** - بنده در دستور عرض داشتم و موجب نظامنامه داخلی ممکن است که يك بنده تقاضای در دستور کند تقاضای بنده این است که مستخدمین امریکائی در کمیسیون بودجه گذشته است طبع و توزیع هم شده است اگر امروز جز دستور شود خیلی مفید است.

**رئیس** - بسیار صحیح است ولی این بیست و چهار ساعت شده است که طبع و توزیع شده در صورت به بنده روز رسیده است و همین طور بسایرین در دستور روز شب میگذاریم.

**کاشف** - در موضوع انتخاب يك نفر منشی که بعضی از آقایان اظهار کردند که در او آخر جلسه باشد این اظهارات سایرین تصویب نکردند و بنده عرض می کنم که در آخر جلسه چون اغلب آقایان میروند بهتر است حالا انتخاب شود.

**رئیس** - گویا اول و آخری نداشته باشد اگر مخالفی نیست حالا شروع می کنیم به انتخاب يك نفر منشی.

باستثنای واردیکه مجلس فوریت آنرا تصدیق میکند لاقابل (۲۴) ساعت قبل از مباحثه طبع و توزیع میشود) پس اختصاص طبع و توزیع قبل از مباحثه راجع است باینکه مجلس فوریت آنرا تصدیق نکرده باشد اگر مجلس فوریت لا بعد تصدیق کند میتوانم قبل از انقضای مدت (۲۴) ساعت رای داد بملاوه ماده دیگر هم هست.

**رئیس** - این همین طور است ولی تقاضای فوریت نشده است در صورتی که بشود بجاس هم تصویب کند حضرتعالی می توانید تقاضای فوریت بکنید و بنده هم از مجلس میسر اما تصویب کردند ممکن است جزء دستور امروز گذارده شود.

**منتصر السلطان** - بنده گمان کردم که می فرمائید ممکن نیست بنده فوریت آن را تقاضا می کنم.

**رئیس** - خوب آقای منتصر السلطان تقاضای فوریت را بورت کمیسیون بودجه راجع به عتیقات نمودند حالا رای میگیریم کسانیکه تصویب می کنند قیام نمایند.

( اغلب قیام نمودند با کثرت تصویب شد )

**رئیس** - حالا شروع می شود در قانون عتیقات چون معاون وزارت علوم هم تشریف آورده اند و یوزارت مالیه هم اطلاع داده شده که خود یا معاونان تشریف بیاورند در آن موقتی که ایشان هم تشریف داشته باشند راپورت کمیسیون بودجه خوانده می شود در این موقع شروع بقانون عتیقات شد.

**معاضدالملک** - عدده نمایندگان حاضر (۷۵) فهم الملک (۲۳) رای آقا میرزا رضای نائینی (۸) رای و آقا میرزا رضای مستوفی (۴) رای ادبالتجار (۳) رای آقایان اسان الحکماء - حاج آقا مصدق الملک (۲) رای سایرین هر يك با يك رای

**رئیس** - چون انتخاب منشی باید با کثرت تام باشد پس نتیجه از این انتخاب حاصل نشد.

**ارباب کیمبرو** - بنده عقیده ام این است که چون تردیدی از برای بعضی حاصل شده بود برای اینکه آقای فهم الملک اظهار کرده بودند که قبول نمیکنم غالباً اسم ایشان را نوشته اند بنظر چون ایشان کفایت ندارند نسبت امتحانی که از ایشان دارند و این مقام شایسته ایشان است امتحان کنیم که قبول فرمایند و دو باره تجدید انتخاب شود و عقیده بنده این است که اکثریت تام هم حاصل خواهد شد ولی مشروط بر اینکه خودشان قبول این زحمت را بکنند.

**آقا میرزا ابراهیم خان** - رجوع شدن آن دو ماده بکمیسیون هیچ مانعی نخواهد بود از برای این که مواد بعد یعنی از ماده تا آخر خوانده شود و شروع اول در آن شود تا اگر ایراداتی هم در این مجلس محترم بشود باز برگردد بکمیسیون و راپورتش باز بورت آن مواد سابقه دوباره بمجلس بیاید.

**بهجت** - آخر شما ملاحظه فرمائید قانون کل خوانده می شود و بطور هم اهمیت دارد و اساس همان سه ماده است و بعد از آنی که بنا شود که اساس همان سه ماده باشد که از کمیسیون گذشته است من نمودم چطور ممکن است این مواد و مدارا حالا مذاکره کنیم.

**رئیس** - خوب است در این باب بگذردی بهتر توضیح بفرمائید خودتان هم بفرمائید که طبع و توزیع نشده است و هنوز در کمیسیون است پس اگر طبع و توزیع نشده است چطور نمی توانیم در آن مذاکره و شروع بکنیم حالا بنده صورت را که دیدم

همانطوریکه شروع شده است ماده اولش خوانده شده و شروع اول هم شده باید در ماده [۲] مذاکره کرد که در مجلس سابق خوانده شده است و همه اینطور تصدیق نمودند پس حالا از ماده دوم که مانده است شروع و شر می کنیم.

**بهجت** - بنده عرض می کنم همین ماده اولی که می خوانید بغوا بنده طور دیگر در کمیسیون نوشته شده است و قرار شده است باین واسطه عرض می کنم که این ماده هنوز خوانده نشده است چطور میشود حالا در این ماده شروع کرد بعد از آنی که شروع در کلیات شد و شروع خواهد کردیم خیلی اختلاف پیدا شد و آقایان پیشنهاد کردند راجع بماده دوم و سوم آن پیشنهاد ها آمد بکمیسیون فواید عامه کمیسیون هم آنها را تصویب کرد و در مطابق ماده اول و دوم سه ماده دیگر وضع کرد و بکلی این ماده اول و دوم تغییر کرد و حالا ما شروع بکنیم بماده (۲) در صورتیکه ماده دوم تغییر کرده است پس الان رای کمیسیون فواید عامه قیر از این است که این ماده (۲) اینجا خوانده شود و مذاکره در این ماده [۲] هیچ صلاح نیست.

**رئیس** - حضرتعالی می فرمائید ماده اول رجوع شد بکمیسیون و بعضی پیشنهاد ها شده است راجع بماده [۲] ماده دوم را هم کمیسیون تغییر داده است پس حضرتعالی می توانید تقاضا کنید که ماده (۲) بیاره ای ملاحظاتی رجوع بکمیسیون شود ماده (۳) را می توانیم بخوانیم دیگر چه قدر مباحثه می کنید اگر ماده (۳) را هم تقاضا می کنید که بکمیسیون رجوع شود میتوانیم.

**منتصر السلطان** - بنده اصلا تعجب نمیکنم که اینجا بعضی چیزهایی که راجع است به غیر مخلوط میشود جناب رئیس خوب است هر چائی را که صحیح میدانید و لازم است از مخیر سوال فرمائید تا جواب بدهد حالا امروز اگر بخواهید که در آن رای فوری کوتاه شده است داخل بشویم و شروع بشود ماده (۳) وزیر ماده (۴) کمیسیون میشود.

( اظهار شد خوب است قانون دیوان محاسبات خوانده شود چون يك شور شده است )

**رئیس** - ملاحظه بفرمائید این يك مسئله خیلی مهمی است و نظریات وزیر را هم خیلی لازم خواهد داشت این بود که تأکید کردیم وزیر مالیه برای مذاکره قانون دیوان محاسبات تشریف بیاورند و حالا هم تلفون کردیم که سه روز دیگر تشریف بیاورند ( شروع بشود قانون عتیقات شد )

ماده (۳) - از پیشنهاد وزیر و ماده (۴) راپورت کمیسیون قرائت شد.

ماده (۴) - از کبابه اشیا مستخرج دولت صدی - بیست بدون مخارج عنوان مالیات از من جنس یا قیمت دریافت خواهد کرد و در اخذ قیمت یا من جنس دولت مختار است.

**آقا شیخ اسدالله** - بنده هم عقیده ام این است که باید این ماده (۳ و ۴) برگردد بکمیسیون بجهت اینکه تمام اینها مربوط به هم است و واسطه اینکه در اینجا میتوانست از کلبه عتیقات مستخرج بطور مطلق صدی بیست برای دولت دیگر فرقی نگذاشته است بین املاک دولتی از قبیل خانه ها و غیره و املاک شخصی اربابی اراضی موات در همین کمیسیون بنده بر حسب اتفاق

بگروزی رفت و این اظهار را کردم و اعضاء کمیسیون هم تصدیق کردند برای اینکه املاک خاصه و املاک اربابی آن می آیند اشخاصی که مشمول این عمل هستند برای استخراج عتیقه با انصافه با مالکین قرار می دهند و در اینجا بسبب اسطلاح مینویسد صدی بیست بدولت میدهد ام از اینکه ملک اربابی باشد یا دولتی آن روز هم بنده عرض کردم که تمام اینها باید تفکیک و تفریق در آن ماده شود در ضمن سه فصل نوشته شود فصل اول راجع باملاک شخصی - فصل دوم راجع باملاک دولت - فصل سیم راجع براضی موات و بنده عقیده ام این است که برود بکمیسیون و هم ملاحظه شریعتش را بکنیم و هم مالیاتش پس خوب است رجوع کنیم بکمیسیون که معلوم شود خصوص اراضی موات در اینجا در ضمن همین سه ماده میخوانیم آی. بهیم که صدی بیست بدولت ام از اینکه دولتی باشد یا ریفیتی یا شخصی این مجلد است نمیشود رای داد بهتر است که برگردد بکمیسیون و بکلی اینها در اصلاح کنند و جرح و تعدیل شود.

**رئیس** - توجه بفرمائید این شور اول است حالا رای گرفته نمیشود.

**وکیل التجار** - بنده اصلا باز تکرار آباد آوری نمیکنم که همیشه باین مطلق مختصر مفصل مراعات شود و عرض می کنم اگر ترمیم ملاحظه فرموده بودید این دوسه ماده را خیلی از این ایرادات مرتفع بود این فقط راجع باملاک دولت و مالیات است و راجع باملاک اربابی چنانچه در اتمه مینویسد صدی بیست مالیات دولت است و باقی بین مستخرج و صاحبان ملک تقسیم میشود اگر مستخرج خودش صاحب ملک است که مال او است و اگر دیگری است از او اجازه کرده است که باز بین آنها

به هم طریق تقسیم میشود اگر راجع براضی باشد که تماش متعلق بدولت است آن وقتی که میخواهد از دولت اجازه بگیرد آنجا قرار می دهد بنده می بیند تصور میشود که آیا باسانی میشود از اینجا چیزی استخراج کرد و تقریباً از وضع محل خودش خیلی چیزها میشود فهمید آن تریبی را خود دولت بهتر میدانند از بیات حقوق دولتی که اراضی متعلق خواهد گرفت در آن زمانی که اجازه او را دولت می گیرند قرار او را خواهند گذاشت این فقط راجع بمالیات است که باملاک اربابی متعلق می گردد و آن سایر مواد را هم عرض کرد که آن مختصر اراداتی که شده فقط آنها رفع نشده است و این هم شور اول است برای بعضی اراداتیکه مشود که رفع شود حالا مذاکره میشود و بعد برای آن دو ماده که در کمیسیون مذاکره می شود همین که راپورتش رسید بمجلس همین مواد که حکم اصلاح شده است آنوقت رای گرفته میشود گمان این است که منافاتی نداشته باشد.

**حاج سید ابراهیم** - بنده اگر چه نظری در این ماده نداشتم ولی از فرمایشات آقای وکیل التجار يك اشکالی بنظر نرسید و آن این است که میر فرماید از کلبه مستخرج اشخاصی که استخراج می کنند یعنی از املاک خاصه علاوه بر این مالیات يك حقوق دولتی باید بدهند و این صحیح نیست بجهت اینکه ما می گوئیم که يك چیزی هم بسایرین بدهند اینک نقشه علمی نیست در حقیقت این يك برد و اختراست يك وقت هست که يك چیزی قابل میرد يك وقت هم هیچ نمیرد بلکه ضرر میکند از آن طرف

هم می گوئیم که دولت در اخذ جنس یا نقد مختار است و از آن طرف هم میگوئیم که دولت در املاک خاصه یا دولتی قرار دادی میدهد که نمی دانم چه قرار دادی است که دولت باید بدهد از طرفی هم نمی باید کرد که اشخاص زحمت کش هائیکه میخواهند استخراج کنند یک ندری راحت باشند اگر حق دولت کلیه منصرف باین صدهایست میشود بدمحرفی ندارد والا اگر بنا شود که زیادتر از این بر مستخرجین تعجبی بود این صحیح نیست.

**منتصر السلطان** - فقط در اینجا مواضع مالیات مو کذب و متناقض بجلهای ازبایی است محل های دیگری در نظر نیست که اسباب اختلاف بشود دولت اختلاف بشود دولت در هر محلی که از املاک اشیا و عتیقات استخراج می کنند صدهایست مالیات می گیرد پس اگر فرضاً مذاکراتی که اینجا میشود راجع بخالصه دولت است این مربوط باین ماده نیست دولت خودش میدانند با صرفه خود و نظریات خودش امروز مجلس شورای ملی وضع قانون می کنند برای عتیقات که هر کس استخراج عتیقات می کند و از یک مجلس بیرون می آرد از قرار صدی بیست بدوات میدهد بعنوان مالیات دیگر هیچ منظوری نیست.

**حاج شیخعلی** - اشیا عتیقه ایران مسلم است که خیلی اهمیت دارد و باید وضع مالیاتی بر او بشود اما وضع مالیات باین یک ماده بلفظ کلی صحیح نیست اشیا عتیقه متفاوت است بعضی از آنها را میشود صدهایست یعنی صدی بیست بعضی را نصف باید گرفت در اینجا نوشته است که از کلیه اشیا مستخرجه بدون تفاوت صدی بیست از زمین جنس یا نقد دریافت کرد این ماده را بطور کلی بنده عقیده ندارم باید تجزیه شود و یک حرف دیگر که اینجا هست نوشت که در اندک جنس یا قیمت دولت مختار است این صحیح نیست زیرا این اشیا مستخرجه که از زیر خاک بیرون می آید یک قیمت معینی ندارد بجا میشود یک چیزی که از زیر خاک بیرون می آید کاشی است آنوقت دولت بگوید که این ده تومان یا بیست تومان قیمتش است خودم برمی دارم پس باید تعیین قیمت را معلوم بکنند یک ماده اضافه کنی که در یک سوره معینی قیمت بشود والا بسا هست آن کسی که استخراج کرده است قیمت فوق العاده روی او بگذارد یا اینکه دولت قیمت کمی روی او بگذارد و چون اینجا دولت مختار است در اخذ جنس بگوید من عین آنرا می گیرم مثلا قیمت این ۵۰ تومان است من چهل تومان بخواهم خواه داد این ماد خیلی ناقص است برای وضع مالیات اشیا عتیقه بنده بیان چهار پنج ماده معتقد نیستم و عقیده بنده باید این مواد رجوع شود بکمسیون

**رئیس** - این چیزی را که حضرت عالی فرمودید در یک ماده دیگر نوشته شده است و ایراد شمارا رفع میکند.

**منتصر السلطان** - خوب است دقت و بفرمایند اظهار اینکه بفرمائید از روی عدم دقت مطالعه بود چون وقت مجلس شیخی مقتنم

است استدعا می کنم که بنا حکمال دقت مطالعه بفرمائید و ایراداتی که بر مخیر دارید بفرمائید و اما آنچه هائی که در قیمت گفتند که شاید بعضی چیز ها خیلی قیمتش باشد این چرا باید ضبط شود بنده عرض میکنم در صورتی یک چیزی را برای موزه دولتی یا ملی واجب و لازم بدانند میگویند این را در مقابل آن صدهای صادی بیست که باید بدهی همان قیمت که می فروشی بمن بفروش که در یک اطاق موزه بگذاریم که یک ندرتی باشد برای ملت و دولت پس این ایرادی نبود جز از بی مطالعه گوی است.

**محمد هاشم میرزا** - آن عبارتی که در اینجا نوشته شده است که از خالص و عینش صدی بیست گرفته شود بنده چون می دانم که در خیلی مواقع اتفاق می افتد که خیلی خرج میکنند و چیزی عایدش نمی شود پس بنده این را ضرر و غلط می دانم و بدون وضع مخارج صحیح نیست آنچه از زمین بنده عقیده ندارم اگر بیشتر هم باید گرفته شود حرفی ندارم که صدی بیست صدی سی صدی چهل باشد ولی بعد از تعیین مخارج او این نمی شود که شخصی مبالغی خرج میکند یک چیزی بر قیمت در می آرد و تمام تلف شود به مخارج و غیره بنده باید این مطالب را مراعات کرد و یک قراری در این خصوص بخواهند داد و آقای حاج شیخعلی ....

**ماده (۹)** را ملاحظه خواهند کرد و محتاج باین مذاکرات نیست.

**منتصر السلطان** - در این مسئله که فرمودند اگر یک چیزی پیدا کردند که دولت می گوید باید صدی بیست بدهی این مسئله است ولی دولت نمی تواند بگوید این هارا بشکنید صدی بیست او را بدهید اما اگر صدانه کوزه یا صدانه آجر پیدا کرده است دانه از آنها را دولت اگر بخواهد بردارد ممکن است و می تواند ولی اینطور که می فرمایند یک کوزه بیرون آمد که صدی بیست او را بشکنند بردارد این نیست.

**محمد هاشم میرزا** - فرمایشات آقای مخیر که فرمودند هیچ مربوط بعرض بنده نبود بنده عرض نکردم که معطل ماندم که این صدی بیست چطور تجزیه می شود و چطور قسمت می شود عرض کردم که بنده این را زیاد می دانم بجهت اینکه ممکن است که یک چیزی را یک شخص یا یک سرمایه خیلی کمی بیرون آورد صدی بیست برداشتن از زمین او بجهت این که یک چیزی عاید او شود این را بنده زیاد می دانم حالا صدی بیست کم است بیشتر کشید صدی سی نمایم این غیر از آنست که آقای مخیر می فرمایند استدعا می کنم که گوش بدهند آنوقت رد کنند.

**منتصر السلطان** - قانون همیشه که از طرف هیئت دولت داده میشود یعنی هیئت مقتنم بنویسد و نایب السلطنه ملک امضاء میکند نمیتواند در بعضی فروع وارد شود مثلا مراعات کنند که ممکن است بکنند صد تومان خرج بکنند و کمتر از صد تومان ببرد در این صورت چه باید کرد قانون همیشه کلی است ما بنویسیم که هر کس هر چه کار کرد و پیدا کرد

خرج بدهد اوست و صدی بیست بدولت بدهد این خیلی کم اتفاق می افتد که ضرر بکند حالیه این فروع است که از چندین هزار نفر بکنند پیدا بشود که اوضرد بکنند در آن کار آنرا نبیند استثناء کرد.

**حاج وکیل الرعایا** - بنده چون عرض مختصر است اینجا عرض میکنم بنده صدی ده را کافی نمیدانم و اختیار بدولت بکنن بنده اختیار را با صاحب اشیا و مستخرج میدانم که اگر خواست بدولت واگذار مینماید اگر نخواست بدولت واگذار نمی نماید بجهت قیمت موقوف خودش بر میدارد و در اینجا اظهاری شده که بطور خیلی مختصر اشاره باو میکنم او این است که باید در نظر گرفت که آن چیزی که در اینجا مذاکره میشود او قیمت ندارد آن چیزی قیمت دارد که یکی خواهد بود والا یک چیزی که صدتا باشد و بیست تایی آنرا دولت از باب حق خودش بردارد آن قیمت ندارد.

**کاشف** - بنده از این ماده خیلی از مذاکرات را خارج از موضوع میدانم مذاکراتی که راجع به املاک میشود این خارج از موضوع است در ماده اول و دوم خیلی مذاکرات شده است و رجوع بکمسیون شده است با پیشنهاد هائی که در این باب شده در کمسیون هم ملاحظه در آن شده است بعد از اینکه از کمسیون مجلس آمد آنوقت آقایان هر قدر خواسته باشند میتوانند مذاکره کنند و این جا فقط در مالیات صدی بیست است و آنچه گفته شده خارج از موضوع بوده و بعضی ایراداتی هم که شد جواب درست داده نشد و یک جوابی است که بنده باید بفرمایم هاشم میرزا عرض کنم از این است که می فرمایند دولت بعد از مخارج این مالیات را بگیرد و مقصودشان این است که اگر آن کسی که مباشر اینکار است اگر مخارج زیادی کرد و یک چیز جزئی استخراج کرد دولت نمی تواند صدی بیست بگیرد دولت هیچوقت نمی تواند مخارج را متحمل بشود ممکن است کسی که میخواهد از اول امتیاز یک جائی را بگیرد در ابتدای امر با یک جزئی مخارج و یک جزئی مصارف خیلی چیز گران قیمتی بدست بیاورد و ممکن است بعد از مخارج زیاد چیزی بدست نیاید پس دولت نمی تواند متحمل مخارج فوق العاده او بشود ام از اینکه ضرر یا نفع کند باید دولت از آن چیزی که او کشف نماید مالیات بگیرد نه اینکه قبل از مخارج دولت خودش متحمل مخارج باشد و ایرادی را هم که آقای حاج شیخ عالی فرمودند در ماده (۹) که بعد خواهد آمد در اینجا ذکر شده است فقط اینجا مذاکره در مالیات صدی بیست است که مجلس آیا مالیات صدی بیست را تصویب می کنند یا خیر فقط در این مذاکره باید بشود اگر راجع بنده اول و دوم باشد از کمسیون بعد خواهد آمد مذاکره میشود ولی این مالیات صدی بیست یک چیزی است که نمیتوان بقرینه بنده کمتر از او تصویب کرد و در مسئله قیمت که آقای حاج وکیل الرعایا فرمودند که قیمت یا عین را بصاحب امتیاز واگذار کنند این را هم دولت نمی تواند قبول کند بجهت اینکه صاحب مال می تواند یک قیمت گرانی روی او بگذارد و اگر خودش لازم دارد قیمت کمی بالای او بگذارد

و دولت را مجبور کند بقبول او پس اینجا اختیار را بدولت داده اند در آخر هم بجهت قیمت یک شرحی گفته است و در آنجا که راجع بقیمت است میرسیم و راجع بقیمت هم خواهش میکنم آقایان ملاحظه بفرمائید که از موضوع خارج است.

**آقای میرزا یانوس** - در مذاکراتی که در باب مالیات عتیقات شد بنده فقط یک ملاحظه را که شاهزاده هاشم میرزا فرمودند از همه بیشتر اهمیت میدهم در اینکه از عتیقات یک مالیاتی باید بدولت داده شود از قرار معلوم هیچیک مخالفت ندارند بنده هم مخالفت ندارم ولی بنده عقیده ام این است ندرتی که در زیر خاک دفن است مال صاحب او نیست در واقع اشیا صلیقه زمین و اراضی را می خریدند در داخل آنرا نمی خرید بلکه سطح اراضی را می خرید پس دولت در ندرت داخلی آن حق است زیرا مال مملکت است و در آن ثروت هیئت جامعه مملکت که از همه بیشتر دولت است حق دارد و در اینکه آن کسیکه او را خارج میکند و صاحب ملک هم حق دارد حرفی نیست و آن ایرادی هم که شاهزاده هاشم میرزا فرمودند که یک کسی برود مخارج گران بکند آنوقت ضرر بکند مثلا بعد از وضع مخارج و زحمت یک چیز کمی بدست بیاورد در آن چیز کم اگر بنا شود که دولت صدی بیست را بگیرد این را یک ندرتی مغایف با انصاف می دانم بهتر این بود که مخارج او موضوع میشد آنوقت هر چه مداخل پیدا میکرد هر قدری که تصویب نمایند یا صدی بیست را می گرفتند بهتر بود این یک یک جزء هراش بنده است دیگر آنکه معلوم است در زیر صفحه زمین از این عتیقات خیلی هست و کم اتفاق می افتد که کسی مداخله در اینکار بکند ضرر بکند و دلیل دیگری که دارم اینست که هر کسی در اینکار داخل میشود گویا که قبل از وقت این مالیات را قبول کرده است که بنده در این صورت مثل آنست که قبل از وقت قبول کرده امکان ضرر را زیرا ممکن است در یک زمینی مخارج زیادی نکنند هیچ گیرش نیاید و ممکن است که در یک زمینی خرج جزئی بکنند و یک چیز قابل بدست او بیاید در این صورت باید هم ملاحظه صدی بیست دولت هم بشود و هم ملاحظه سایرین.

**اسدالله خان** - در اینجا یک چیزی که بنظر بنده رسیده است این است که در یک ماده نظامنامه داخلی ما نوشته است که اولا بیع قانونی که از طرف وزیر پیشنهاد میشود باید مقدمات داشته باشد یعنی فرض و دلایل لزوم آنرا باید مشروحاً بنویسند و باید دانست که بی جهت در نظام نامه داخلی نمی نویسند که لوایح قانونی وزیر باید دارای مقدمات باشد لازم است بنده محسنت و معایب این را عرض کنم تا اینکه بدانید چقدر از برای زود از مجلس گذشتن قوانین ضرر دارد.

**رئیس** - در مورد کلی بگوئید و شود کلی گذشته است در ماده اگر نظر دارید بفرمائید.

**اسدالله خان** - در اینجا وزارت مصارف پیشنهاد میکند از عتیقات باید صدی بیست برای

دولت گرفت اگر ما اینجا می فهمیم که آیا یک همچو منفعتی برای ما دارد که ما یک مالیاتی از او بگیریم یا اینکه وزارتین مالیه و قوایید عامه که دارای مسئولیت است یک راه بهتری را پیدا می کنند که بتوانیم با یک مخارج کمتری یک مالیات بیشتری را که شما تصور نمی کردید از او بگیریم بهتر بود آن این است که هیچوقت ممکن نیست آنجائی که این مال التجاره را بیرون بیاورند تازه دست گردد و بگردد و بعد از صادرات خود وارد نشود قیمت آخری خود را پیدا بخواهد کرد در آن صورت که پیشنهاد شده است دولت را برای دولت مجبور خواهند بود اولیا دولت که یک مخارج بزرگی را ابتداء بکنند که در هر نقطه که جاه می کنند و ندرت مأمور باید مواظب باشند که آیا فایده دارد یا آنکه ندارد و این شبیه میشود به مالیات نمک که خرجش بیشتر از دخلش هست در صورتیکه اینکار یک راهی دارد که اگر وزارتین مالیه و فواید عامه ملاحظه اینکار را کرده بود بعد معایب آنرا می دانستند و او این است که این مال التجاره در وقتی که صادر می شود از مملکت یک دینار مالیات ندارد نه مالیات مستقیم نه غیر مستقیم و ما نمایم آیا وقتی که اینطور مالیات را می خواهیم وضع بکنیم چقدر مال التجاره ضرر دارد معیار هم امروز در مال التجاره صادره یک مقام بزرگی عتیقات پیدا کرده است که عنقریب میرسد بجایی که بتوانیم با تجارت بگویم (اظهار شد این در کلیات است)

**رئیس** - این در کلیات است و مذاکره در کلیات تمام شده است حالا مذاکره در مواد است

**اسدالله خان** - بنده میخواهم بگویم این صدی بیست در موقع استخراج صحیح نیست بهتر این است که در موقع صادره این مال التجاره صدی دو بگیرند.

**آقای شیخ ابراهیم زنجانی** - در این ماده

اینقدر شب حدس پیدا میشود که اگر شخص بخواهد این حرفها را نعت یک فایده در بیاورد ممکن نخواهد شد بجز ترتیبی باید داد که یک مطلب تمام بشود بعد بنده دیگر رجوع شود اما آن ماده ترتیب اجازه است که چطور اجازه بگیرد اما آن دو ماده ابتدا ربط مالیات ندارد و آن این طرز است که چطور اجازه می گیرد و چطور مالیات بگیرند مثلا با صاحب ملک چکار کنند در اراضی چطور و اما آمدیم سر مالیات که چه باید کرد بعضی اشکال کرده اند از آن باب که اشیا بی که استخراج میشود مختلف است بعضی اشکال کرده اند که اراضی که اینها از آن بیرون می آید مختلف است بعضی اشکال کرده اند که مخارجی که برای بیرون آوردن اینکار مستخرج میکنند باید موضوع شود تا مستخرج ضرر نکند و حالا اشکال چهارم اشکال اسدالله خان بود که بنده نمیتوانم شرح بدهم اما اشکال اینست که مخارجش زیاد است گاهی کم است صحیح است میشود و مستخرج با مخارج زیاد هیچ نمی نبرد باز صدی بیست بدولت بدهد این را باید رفع کرد علاوه بر آن اگر دولت بتواند عتیقات بکند که مخارج در برود آنوقت از منافع صدی بیست بگیرد از یک جهت بهتر خواهد بود که ملک از بابی هم که باشد

آنهم راضی میشود آنچه بصاحب ملک بدهد آنچه را که خودش صرف میکند برای استخراج آنها موضوع شود آنوقت تمام اراضی و املاک یک قسمت میشود و همه یک کاسه میشود آنوقت یک تفاوت در اراضی بکلی از میان بیرون اگر دولت و وظایت بکنند چرا برای اینکه اگر فرض بکنیم که یک مخارجی را که این کرده است صورت داد لکن چیزی که استخراج شد بطور مغفی کرد لابد باید دولت یک مواظبتی داشته باشد همینکه یک مواظبتی دارد باید مخارج را موضوع کند آنوقت خرج در درفته بقول محمد هاشم میرزا آنچه حاصل بیرون می آید صدی بیست یا بیشتر هر چه میخواهد دولت بگیرد آنچه که بصاحب ملک میدهد داخل خرج نیست آنوقت املاک بکسر یک کاسه میشود اما از باب اشیا بیکه استخراج میشود او را بنده بنده با بقیه گناه است همچنانکه چند ماده ناظر این مطلب است که آن اشیا مستخرجه از هر قبیل باشد چه کمی دارد و چه مالیات بدهد حالا اگر غیر این شقوق اگر میدانند و پیشنهاد کنند این هم از باب آنست که خارج میشود اما این که میفرمایند دولت قیمت بکند و مستخرج باشد در برداشتن جنس یا این که داده اختیار داشته باشد بنده عقیده بنده دولت باید مختار باشد بلکه حق تقدم در خرید هم داشته باشد بجهت این که بسیار چیزها است بکار دولت می آید و بکار موزه دولت می خورد نباید بخارج برود دولت اگر می تواند او را بخرد چه بهتر حق تقدم باید داشته باشد صلاح میدانم بخرد صلاح نمی دانم بخرد آیا تعیین قیمت چطور میشود این را اول مرتبه دولت نه صاحب میتواند تعیین کند باید بعرض فروش در بیاید آنوقت بقیمت آخری که رسید دولت او را یا خودش قبول میکند یا از قیمتش صدی بیست بر میدارد این مطالب را خوبست علیحده نسبت بآن چیزی که در نظر دارند پیشنهاد بکنند تا اینکه کمسیون و مجلس نظریات خودشان را در آن باب اظهار فرمایند.

**منتصر السلطان** - بنده فرمایشات آقای میرزا یانوس و آقای آقا شیخ ابراهیم را اساساً صحیح میدانم و تصدیق می کنم ولی یک فقره از این مسئله در کمسیون صحبت شد و آن این است که دولت اگر حساب و مخارج او را برسد و به بیند چقدر خرج کرده است و بعد از آنی که این خرج معلوم شد عمل کند بدینم که اگر دولت این کار را قبول کرد دچار بعضی اشکالات خواهد شد همیشه معتن سهولت قانون را منظور ندارد بعضی نظریاتی هم باید داشته باشد که وزیر مملکت آری می توانند آن قانون را اجرا نمایند باز اگر ما چنان چیزی نوشتم فردا یک صورت حساسی برای یک تپه کوچکی ترتیب خواهد داد و یک طومار حساسی خواهند نوشت که من خودم و قایم شامی که خوردیم در فلان جا و فلان چراغ را روشن کردیم تمام برای این تپه بود که خیال استخراج این اشیا را داشتیم که هم خود را بدهد و هم صدی بیست دولت را بدهد حق هم میزبان خودش را هم جزء آن مخارج حساب می کند یا از این نظر که دخل و خرج اینها هم هم مطابق نکند یا اینکه اگر این کار را بکنیم باید ساده باشد ملاحظه این